

ارتجاع در بن بست جنگ

فراخوان و برنامه برای دفاع از زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی را از جنگال جمهوری اسلامی نجات دهید!

هم میهنان آگاه و مبارز! رژیم جمهوری اسلامی تازیانه‌های خود را هرچه محکمتر بر بیکر فرزندان مبارز شما فرود می آورد. رژیم وحشیانه تلاش دارد صدای اعتراض شما مردم زحمتکش را در نطفه خفه کند و سازمان های مترقی و انقلابی را، که برای بهروزی و سعادت شما مبارزه می کنند، نابود سازد. امروز تاریک اندیشان خرافه پرست و مرتجع، میهن بلاکشیده ما را به عرصه تاخت و تاز خود تبدیل کرده اند. آنها دهها هزار تن از شریفترین فرزندان میهن ما را در زندانها به طایفه کشیده اند. آنها مرتبا زندانهای جدید میسازند. در شکنجهگاهها تن های زجر دیده انقلابیون را به زیر شلاق می کشند و سینه های پرشورش را آماج گلوله های سرسبز می سازند.

جمهوری اسلامی شقاوت زندانها را به اوج رسانیده و مبارزه با زندان دست تیرن شرايط بسرمی برد. زندانیان از هیچ تأمین برخوردار نیستند و تحت حمایت هیچ قانونی قرار ندارند. گردانندگان رژیم حتی مفاد قانون اساسی را هم گستاخانه زیر پا می گذارند. جان دهها هزار انسان شریف در معرض خطر جدی قرار دارد. باید جان زندانیان سیاسی را از جنگال دژخیمان جمهوری اسلامی نجات داد. باید برای قطع شکنجه و آزادی زندانیان سیاسی مبارزه را گسترش دهیم.

هم میهنان مبارز! شما در روزهای تاریخی قیام، باختم و کین بر کاههای ستم بپوش بردید و با مشت های گره کرده حمارهای بلند زندان را فرو کوبیدید؛ با شعار زندانی سیاسی آزاد باید کردید. شما درهای سیاهچالهای اوین و شهربانی را کشودید و زندانیان سیاسی را تا آخرین نفر آزاد کردید. اما رژیم جمهوری اسلامی از نو این سیاهچالها را در دست گرفت و هزار بار دمه‌شانه تر آنها را دوباره به قتلگاه و شکنجهگاه میهن پرستان انقلابیون ایران تبدیل کرد. امروز می باید مثل روزهای انقلاب از نو فریاد کنیم: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد". باید دیگر علیه جنایات و حشیانه رژیم در زندانها بپا خیزیم و تسبیحهای هول انگیز دژخیمان جمهوری اسلامی را به گوش چپانیان برسانیم. باید زندانیان سیاسی را از جنگال دژخیمان نجات داد. باید مبارزه خود را تا آزادی بی قید و شرط آخرین زندانی سیاسی ایران بیکرمانه ادامه دهیم. باید سرای رسیدن به روزی مبارزه کنیم که دیگر هیچکس به خاطر عقایدش و بخاطر دفاع از مردم زحمتکش به زندان نیفتد. تا زمانی که همه این هدف مقدس دست نیافته ایم باید با تمام نیرو از زندانیان سیاسی که در قتلگاه ها و شکنجهگاههای رژیم اسیرند دفاع کنیم. جنایات رژیم را فاش و رسلا سازیم و برای لگام زدن به این جنایات، وحشیگریها، بیقانونیها و فجایعی که در زندانها می گذرد بپا خیزیم و صدای اعتراض خود را به گوش جهانیان برسانیم. یقین داشته باشیم که مبارزه متحد ما قادر است چپانیان مشت به دهان مرتجعین حاکم بکوبد که به دهان رژیم شاه کوبید.

هم میهنان مبارز! سازمان فداییان خلق ایران (اکثرت) برنامه خود را برای دفاع از زندانیان سیاسی ایران اعلام کرده و در عین حال از هر پیش نهاد و فراخوان موثر دیگری که میصمانه پشتیبانی نمی کند، در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی تمام حقوق سیاسی، حقوق قضایی و حقوق زیستی زندانیان سیاسی را گستاخانه پایمال کرده و به فاجعه ترین جنایات علیه زندانیان دست می زند، مبارزه در راه تأمین حقوق و مطالبات زندانیان سیاسی ایران اهمیت ویژه ای می کند. ما همه نیروهای آگاه و مبارز را فرا می خوانیم که دست در دست یکدیگر برای تحقق اهداف شریف و انقلابی زیر، که اهداف مشترک همه ما هستند، مبارزه متحد خود را علیه ارتجاع حاکم بازهم بیشتر گسترش دهیم:

بقیه در صفحه ۲

به دستور رهبران رژیم بازهم نیروهای مسلح در مرزهای ایران و عراق به حال آماده باش درآمده اند و بطور نگران کننده ای با نیروهای تازه نفس تقویت میشوند. بر اساس گزارش مطبوعات، رژیم تا کنون نیم میلیون نفر را با انواع حمله و فشار در دستهای آفتاب سوخته خوزستان و آن سوی مرزها متمرکز کرده است. همه مردم ایران از یک حمله تازه به خاک عراق و کشتار هزاران جوان دیگر به شدت نگرانند. تمرکز تازه قوای جمهوری اسلامی در مرز، همچنین تمام محافل و مراجع ملحد و سست بین المللی را نسبت به حمله تازه و تشدید بازهم بیشتر وخامت اوضاع منطقه نگران کرده است. این اقدامات جدید جنگی در حالی از سوی جمهوری اسلامی تدارک می شود که هنوز مرکب توافق اخیر در رژیم خشک نشده است. در ۲۲ خرداد ۶۲ به ابتکار پرزید و کویاردییرکل سازمان ملل متحد در دورزیم تعهد کردند که از حمله به مناطق مسکونی و هدفهای غیر نظامی خودداری کنند. در نتیجه این توافق ساکنان و دفاع از بیگانه مناطق مرزی و کشور بطور موقت از حملات موشکی و هوایی و بمباران توپخانه ها مصون ماندند. مردم با خوشحالی از این توافق استقبال کردند. کمیته مرکزی سازمان ملی اظهار ایادی از این اقدام استقبال نمود و همواره به تلاش در راه گسترش آن به تمامی جبهه ها و قطع کامل جنگ دعوت نمود.

آئین نامه فاشیستی علیه دانشجویان

انقلابی رژیم مستکین نمیکنند، از امکان ادامه تحصیل و پیم استفاده از امکانات دانشگاهی محروم نمایند. از جمله اینگونه تخطیفات عبارتست از: انجام هر کاری که موجب اخلال و یا هر وقفه در برنامه آموزشی دانشگاه می شود. با "دادن گزارش عمدی خلاف واقع در مورد موضوعات مورد نیاز دانشگاه" و از این قبیل. ولی نکته مهم و محوری "آئین نامه انضاطی" در "تخطیفات و تنبیهات" نوع دوم آمده است که خود ستاد ضد فرهنگ بشیرمانه آن را "تخطیفات سیاسی و اخلاقی" نامگذاری کرده است. این به اصطلاح "تخطیفات" عبارتند از: "تشکیل انجمن یا گروه دانشجویی بسری فعالیت های فوق برنامه در دانشگاه سد و ن اجازه مراجع ذریبط و یا عضویت در اینگونه گروه ها"، "برگزاری اجتماعات در محیط دانشگاه و عضویت یا فعالیت به نفع گروه یا حزبی که فعالیت آن از سوی مراجع قانونی (!) نظیر مجلس و قوه قضاییه ممنوع اعلام شده باشد"، "ارتکاب اعمال ضد نظام جمهوری اسلامی از قبیل شعار نویسی و سخن اعلامیه"، "عدم رعایت یونونی اسلامی و... تنبیهی که برای این نوع تخطیفات در نظر گرفته شده، علاوه بر "اخراج از دانشگاه محل تحصیل"، "محرومیت از تحصیل در کلیه دانشگاه ها" را نیز شامل می شود.

البته قبل از تنظیم این "آئین نامه" ضد - انقلابی هزاران دانشجو به این بهانه ها و بهانه های مستدل تر از آن چون بی اطلاعی از تعداد قطعات کفن و بدست نماندن است از دانشگاه ها و موسسات عالی کشور اخراج گردیده و بخش عظیمی از آنان به جرم گردانیدنی و یا داشتن تمایلات به این یا آن مکتب سیاسی دستگیر شده و سالیانست که در شکنجهگاههای رژیم به سر می برند. این تعهدات ضد انقلابی که با هدف برقرار کردن سخرن خفقان مطلق در دانشگاهها و درهم شکنستن حشش انقلابی دانشجویی و خرد کردن شخصیت انقلابی دانشجویان صورت می گیرد، اولین و آخری - تنبیهات رژیم از این دست نیست. دانشجویان قبل از کور، در جریان کور و بعد از آن نایدیژن رسمی به دانشگاه یا موسسه عالی باید از صدها صافی سیاسی، ایدئولوژیک و امنیتی بگذرند. دانشجویان در مبارزات سیاسی چند دهه نده اخیر در میهن ما نفس سبار شایسته و والایی داشته اند. در تمام دوران مبارزه علیه رژیم بقیه در صفحه ۳

اخیرا از سوی ستاد به اصطلاح "انقلاب فاشیستی" که در واقع باید آن را ستاد ضد فرهنگ نامید، آئین نامه ای تحت عنوان "آئین نامه انضاطی دانشجویان دانشگاه ها و مدارس عالی کشور" انتشار یافت. تمام مفاد این آئین نامه یک هدف ضد انقلابی و ارتجاعی را دنبال می کند. تلاش ردیانه برای ایجاد محیطی شدت پلیسی، خفقان بار و فداستانی در دانشگاهها که در نتیجه آن، دانشجو به انسانی مخ شده و مطیع بدل گردد. جالب اینجاست که "ستاد ضد فرهنگ" با وقاحت تمام در مقدمه "آئین نامه"، آن را "تلاش برای "سالم سازی محیط علمی، فرهنگی، اخلاقی و سیاسی دانشگاه" می داند! اما اینگونه نام گذاریها و لفاظی های وقیحانه و عوامفریبانه دیگر ذره ای هم قادر نیست که ماهیت پلید و فداستانیسی سیاست های حکومت را بیپوشاند. نگاهی به آنچه که تحت عنوان "تخطیفات" در این آئین نامه از آن نام برده شده و تهیذاتی که برای هر کدام از "تخطیفات" در نظر گرفته شده است سیاست فاشیستی حکومت در دانشگاه ها را فاش می سازد. در این آئین نامه تخطیفات دودسته شده اند: تخطیفات اداری و آموزشی، و تخطیفات سیاسی و اخلاقی. تخطیفات نوع اول ملغمه ای است از انواع جرایمی که اغلب هیچ ربطی به امور دانشگاهی ندارند. نمونه هایی از تخطیفات اول عبارتند از سرعت اموال دانشگاه، از بخت بردن اسناد و مدارک، جعل مدارک دانشگاهی، توهین و ایراد ضرب و جرح و... که امکان وقوع آن در هر موسسه ای عم از آموزشی، تولیدی، خدماتی و... محتمل است و جز "اموری است که دادگاههای عادی و کیفری بدان رسیدگی می کنند. تمسدا د یکی از این "تخطیفات" صرفا بهانه هایی است که در تخریبش آن انواع ارگانهای سرکوبگر امنیتی رژیم از جمله "کمیته های انضاطی" بتوانند دانشجویانی را که به روش ضد مکرراتیک و ضد -

پیروزی از آن ماست
بمناسبت شصت و چهارمین سالگرد
بنیانگذاری حزب کمونیست ایران
در صفحه ۴

جنگ را قطع کنید، مردم صلح می خواهند

حقوق و خواستههای سیاسی و قضایی

اعدام زندانیان سیاسی باید ملغی گردد
 قلم برتریش هزاران مبین پرست و انقلابی آماج کین سرکوبگران گشته است. دژخیمان بپرهمانه، انقلابیون، نوجوانان، مادران، زنان سالخورده و باادار را به جوخه اعدام میسپارند و به اتکای فتوای رهبران جمهوری اسلامی خون انقلابیون را قبل از اعدام می کشند. دوشیزگان و زنان نجاوز می کنند. می بایست این سفاکیها و ددمشخها هر چه زودتر پایان یابد و اعدام زندانیان سیاسی لغو شود. اما می وانست اعدام شدگان به اطلاع مردم برسد و سرنوشت مفقود شدگان معلوم گردد.

هرگونه شکنجه و آزار جسمی و روانی زندانیان باید قطع گردد

دژخیمان رژیم برای کسب اطلاعات و به زانوس افکندن انقلابیون، به شکنجه های قرون وسطایی متوسل می شوند. شکنجه در زندانهای رژیم ایجاد بیسابقه و وحشتناکی دارد. تا کنون سدها تن از مبارزین راه استقلال و آزادی کشور زیر شکنجه به شهادت رسیده اند. شکنجه برای گرفتن اعتراف، شکنجه برای مجبور کردن زندانی به شرکت در مباحثه، شکنجه برای سرعوب کردن زندانی، حربه جنایتکارانه و عادی جمهوری اسلامی است. باید به شکنجه تحت هر عنوان و سهر شکل که باشد فوراً پایان داده شود. شکنجه گران و آمرین به شکنجه محاکمه و مجازات شوند.

پیگرد و دستگیری مبارزین باید قطع شود. ارگانهای تجسس و سرکوب مبین پرستان بایست منحل گردد.

هیچ مبین پرستی در کشور ما از حمایت قانون برخوردار نیست. ما مورین رژیم بدون هیچ مجوز قانونی فرزندان مبارزین را زداشت می کنند. رژیم جمهوری اسلامی برای خاموش کردن صدای اعتراض زحمتکشان و سرکوب و نابودی نیروهای آزادیخواه و انقلابی مدارا ارگانهای سرکوب خود را گسترش داده و گشت های متعددی را برای شکار افراد مبارز بوجود می آورد. می بایست پیگرد و دستگیری مبارزین پایان یابد و ارگانهای سرکوبگر و اطلاعاتی منحل شوند.

هرگونه اجبار زندانیان به رد عقاید خسود باید فوراً قطع شود.

شکنجه ددمشانه جسمی و روانی برای وادار کردن زندانیان به رد عقاید خود و کشاندن آنان به تلویزیون از فجیعترین جنایات مرتجعین حاکم است. آنان تلاش می کنند حیثیت، شرف و هتک انقلابیون را لگدمال کنند و در این راه ابتدایی ترین اصول اخلاقی را زیر پا می گذارند. به این اعمال ضد انسانی باید فوراً پایان داده شود.

عنوان "زندانی سیاسی" برای مبین پرستان اسیر باید به رسمیت شناخته شود.
 رژیم، انقلابیون را تحت عنوان "مخاربه و ملحد و تروریست و جاسوس" به زندان می افکند و معرفی می کند. به این دروغ و فریب بزرگ باید پایان داده شود و عنوان "زندانی سیاسی" که متضمن حقوق ویژه مبین پرستان اسیر است به رسمیت شناخته شود.

مشخصات و اتهام و محل بازداشت هر زندانی باید اعلام گردد.

ما مورین سرکوب رژیم عناصر مبارز و انقلابی را از خیابانها، جاده ها، کارخانجات و ادارات می ربایند و بدون اعلام اسمی و اتهام آنها و بدون اطلاع خانواده ها به سیاهچالها می اندازند و عده زیادی از آنان را در خفا اعدام می کنند. رژیم عده ای از مبارزین را در سیاهچالهای مخفی نگه می دارد. می بایست تمام جاهایی که به عنوان زندان مورد استفاده قرار می گیرد معلوم شود و اسمی تمام زندانیان، علت دستگیری، اتهام و محل بازداشت آنها در مطبوعات اعلام گردد.

زندانیانی که محکومیتشان تمام شده بایست آزاد گردند
 رژیم، عده زیادی از زندانیانی را که دوره محکومیتشان به اتمام رسیده آزاد نمی کند و بدین وسیله می خواهد از یک سو مانع پیوستن آنان به جنبش خلق شود و از سوی دیگر به متعصبان و رگوان آنها را نگه دارد تا در پاسخ به فعالیتت سازمانهایی که بدان تعلق دارند، به دست جوخه های اعدام بسیار، این زندانیان بایست فوراً آزاد شوند و به آغوش خانواده های خود ساز گردند. زندانیانان می کوشند آن عده قلبی

از زندانیان که محکومیتشان تمام شده و یافاقت پرونده می باشند، موقع آزاد شدن برگردانده شده را امضا نمایند. زندانیان باید بدون قید و شرط آزاد شوند.

محاکمات باید علنی و قانونی باشد
 مبین پرستان و انقلابیون ایرانی در بیدادگاههایی محاکمه میشوند که در آن هیچ قانون و ضابطه ای وجود ندارد. در بسیاری موارد اعدا دادگاه تشکیل نمی شود و حکم محکومیت زندانی، حتی حکم اعدام بدون دادگاه، بدون حق دفاع و بدون ثبت حکم و دلایل آن صادر میشود. تمام جریان صدور حکم و محکوم کردن زندانی مخفیانه صورت می گیرد. در جمهوری اسلامی تا امروز هزاران نفر بدون محاکمه، بدون پرونده، بدون دادگاه و وکیل و حق دفاع، بدون حضور و اطلاع کسی و فقط به "اذن حاکم شرع" اعدام و سر به نیست شده اند. هرگونه محاکمه ای باید بطور علنی و با حضور وکیل مدافع و بیس حق دفاع و با حضور هیات منصفه و با شرکت آزادانه تماشاگران و خبرنگاران داخلی و خارجی تشکیل شود. حکم دادگاه باید مستدل و منطقی به نص قانون باشد و در مطبوعات رسمی درج شود.

حق زندانیان برای شکایت به مراجع قضایی و سازمانهای مدافع حقوق بشر باید تأمین شود
 در حالیکه زندانیان سیاسی ایران زیر سر شدیدترین آزارها و بیدادگریهای عمال رژیم قرار دارند. به هیچیک از آنان اجازه داده نمی شود علیه این بیدادگریها به مراجع قضایی و سازمانهای مدافع حقوق بشر شکایت و تقاضای رسیدگی کنند. رژیم جمهوری اسلامی هر حرکت اعتراضی زندانیان را به خشن ترین شکل ممکن سرکوب می کند. باید همه زندانیان سیاسی بتوانند شکایات و دادخواستهای خود را بسه مراجع قضایی و سازمانهای مدافع حقوق بشر تسلیم و تقاضای رسیدگی کنند.

هیاتهای ملی و بین المللی مسئول باید مجاز باشند از زندانها دیدن کنند

زندانیان رژیم تا کنون تلاشی کرده اند که تشبیهات آنان به بیرون از زندانها در نیند. برای آشنای جنایات رژیم و نظارت بر رعایت حقوق زندانیان، شخصیتها و هیاتهای مترقی ملی و بین المللی و خانواده های زندانیان سیاسی باید بتوانند از زندانهای رژیم بازدید کنند. زندانیان سیاسی بدون بیم و ترس از مجازات باید بتوانند این هیاتها را در جریان وضع زندان و رفتار زندانیان قرار دهند.

حقوق زیستی

تأمین غذای کافی و بهداشت و درمان
 کمبود مواد غذایی، فقدان دارو و دکتر، آلوده بودن محیط زندان و فشا رهای روحی و جسمی، نبود حمام و کمبود دستشویی و تراکم فوق العاده و جان فرسای زندانیان، محیط زندان را به شدت غیربهداشتی و آلوده ساخته است. سلامت تمام زندانیان در معرض خطر جدی قرار دارد. گرسنگی دائمی همه زندانیان سیاسی ایران را رنجش می دهد. بهداشت محیط زندان و امکان درمان و مواد غذایی کافی و حق استفاده آزادانه از حمام و دستشویی باید برای همه زندانیان سیاسی تأمین گردد.

حق هواخوری
 به سبب وسعت دستگیریهها، جا در زندانها فوق العاده تنگ است. زندانیان در طولها و اتاقهای کوچک، مرطوب و کم نور، عده زیادی از زندانیان را جامیدهند و به آنان امکان هواخوری و ورزش هم نمی دهند. در حال حاضر در اتاقهای دربسته حتی جا، برای نشسته خوابیدن زندانی هم نیست. متوسط جا برای هر زندانی همواره کمتر از ۵/۵ متر مربع است. باید برای زندانیان حداقل فضای زیستی (۱۴ متر مکعب برای هر نفر) تأمین گردد و علاوه بر آن همه زندانیان باید بتوانند در طول روز از هوای آزاد استفاده کنند.

ملاقات حضوری و هفتگی
 عمال رژیم جمهوری اسلامی زندانیان سیاسی را گاه ماهها و حتی سالها بدون ملاقات و حتی بدون کوچکترین اطلاعی از خانواده در زندان نگه می دارند. آنها فقط به عده کمی از زندانیان آنهم در شرایط ناهنجار و بکلی غیر انسانی ملاقات می دهند. باید امکان ملاقات حضوری، هفتگی و بدون کنترل و آزاد برای تمام زندانیان تأمین شود.

تأمین نشریات و کتابهای درخواستی زندانیان
 زندانیانان برای آزار روحی زندانیان و

تعمیل ایده های خرافی و بیفایت ارتجاعی و احقفا، به آنان فیلمها، نمایشات و سخنرانیهای مبتذ اجباری ترتیب می دهند و یا این قبیل برنامه را از تلویزیون مدار بسته زندان در طول ر بخش می کنند. زندانیانان زندانیان را از تحولات جاری جهان و ایران بی خبر نگه می دارند. با روزنامه، نشریات و کتابهای مورد نیاز زندانیان در اختیارشان قرار گیرد و امکان استفاده آرا از رادیو فراهم گردد.

حق ادامه تحصیل و مکاتبه
 حکومت دها هزار دانش آموز، دانشجوی دانش پژوه در درخسه های خود اسیر کرده است برای همه زندانیان، تحصیل، یک خواست اساسی بسیار ضروری است. زندانیان باید از این ح خود بهره مند شوند. همچنین زندانیان بایست بتوانند با خویشان وندان، دوستان و جامع مترقی ملی و بین المللی مکاتبه کنند.

هم مبینان مبارز!
 از شما دعوت می کنیم در هر حد و به هر شکل که می توانید جنبش دفاع از زندانیان سیاسی ایران را تقویت کنید. به هر اندازه در هر مورد از موارد زیر که انجام آن برا شما مقدور است، اقدام کنید. حمایت شما از زندانیان سیاسی موثرترین راه نجات جان ای عزیزان است.

به سازمانها و جامع ترقیخواه و به نشریه کار و سایر مطبوعات مترقی نامه بنویسید - اطلاعات خود را درباره جنایات رژیم علیه زندانیان در اختیار آنان قرار دهید. - برای مراجع و جامع بین المللی نامه بنویسید، جنایات رژیم علیه زندانیان را شر دهید و علیه آن اعتراض کنید. - گوش کنید اسمی زندانیان، اسمی شهدا، نحو دستگیری و کلیه اخبار و اطلاعات را از وض زندانیان و یا قربانیان شکنجه و شهادی خلق بدست آورید و آن را به نشریه کار و به دسه سایر نیروهای مترقی برسانید.

نشریات مترقی را بخوانید، به رادیوها انقلابی گوش کنید، اطلاعات و خبرها و رهنمود های آن را به خاطر بسپارید و در محیط کار زندگی خود منعکس کنید و به گوش زندانیان بیساز دیدار از محافل و دید و بازدیدهای خانواده ها زندانیان سیاسی و شهادی خلق در شرایط امر اهمیت فوق العاده دارد. بطور دستجمعی مسئولان مراجعه کنید، شکایت نامه و تقاضا، تنظیم کنید و آن را به مقامات مسئول و مراد بین المللی ارسال نمایید.

از خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی دید کنید و امید به پیروزی و شور مقاومت را شعله سازید. از هیچگونه حمایت مادی و معنوی این عزیزان دریغ نکنید. مبارزاتی که از زندان آزاد می شوند مناهدات اطلاعات خود را درباره جنایات رژیم در زندانها مفصلاً در نسخ متعدد بنویسند و برای نشریه کار همه سازمانها و نهادهای مترقی ملی و بین المللی ارسال کنند.

ایرانیان آزادیخواه و عناصر مترقی درخار از کشور در حال حاضر می توانند نقش بسیار مهمی در دفاع از زندانیان سیاسی ایفا کنند آنان باید به هر وسیله ممکن شخصیتها احزاب و محافل مترقی جهان را از جنایاتی که در زندانهای ایران می گذرد آگاہ سازند. باید به هر شکل ممکن توجه جهانیان را نسبت به آنچه که در مبین بلاکشیده ما می گذرد جلب کرد.

هم مبینان گرامی!
 ما اطمینان داریم که مبارزه علیه حاکم خائن جمهوری اسلامی و نجات جان مبین پرستان ایرانی سرانجام به پیروزی خواهد رسید. اب مبارزه البته تحمل سختی ها و قربانی ها بسیار می طلبد. اما دیر یا زود بار دیگر دیوارهای اوین و قزل حمار و گوهر دشت و دهم دغه و تفلگانه دیگری که رژیم ساخته است، نیروی شما فرو خواهد ریخت. جنایتکارا خونریز به جزای اعمال ننگین خود خواهید رسید پیروزی ما در گرو اتحاد و مبارزه ماست.

درد بر زندانیان سیاسی که قهرمانان دهره، دژخیمان ایستاده اند، پیروز باد مبارزه حق طلبانه خلق ستمدیده ایرا کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۵ تیرماه ۱۳۶۳

زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

رفیق دبیرانش لورن سو عضو کمیسیون سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال، به تقاضای هیات تحریریه مجله مسایل صلح و سوسیالیسم مطالبی پیرامون زندگی و مبارزه کمونیستهای پرتغال در شرایط کار مخفی بیان داشت. مجله مسایل صلح و سوسیالیسم با انتشار این مطلب، به بخشش تازه‌ای را تحت عنوان "ارکتاب مردانگسی و دلیری" با زکده است، بوی آشنایی با تجارب کار کمونیستها در شرایط اختناق، شریبه کسار در این شماره، بخشهایی از اظهارات رفیق لورن سو را انتشار می‌دهد:

بین نسل کنشال کمونیستهای پرتغال که دوره دشوار مبارزه غیرعقلی را گذرانده‌اند، به سختی می‌توان کسی را پیدا کرد که سالهای درازی را در زندانهای فاشیستی سربرده باشد. اعضای نخستین هیات کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال که پس از پیروزی انقلاب آوریل سال ۱۹۷۴ انتخاب شده‌اند در پیروزی با سرمدسال زندان رابه دوش می‌کشند...

در باره خود باید بگویم نخستین بار در دسامبر سال ۱۹۶۹ دستگیر شدم و پنج سال در زندان سرگردم. وقتی دستگیری خود را به خاطر می‌آورم، فکرمی کشم اینقدر هانه به سبب دقت وزیرکی ما مورین، بلکه به علت غفلت شخصی و فقدان هشیارکی کافی با زداشت شدم. در دور آن کار مخفی را بهرا اینطور اتفناق می‌انفند...

ولی با وجود تمام تدابیر پیشگیری و انضباط شدید گاهی عدم موفقیت روی می‌داد. بهمین سبب ما زندان را بمنزله آدامه فاشیسم در شرایط تازه و بسیار دشوار به شمار می‌وردیم. تا کنده بین نکته نیز جانش اهمیت است که به سر بریدن در سلولها زندان همیشه بمنای یکی از جدی ترین آزمونهای استحکام و استواری برای مبارزان کمونیست محسوب می‌شد. در آن سالها در حزب رفقای زیادی بودند که آماج دگی بنیادی شوریک و سیاسی نداشتند، در کارهای سازمانی مرتکب خطا می‌شدند، ولی وقتی به دست پلیس نشان می‌دادند...

وقتی خود را در سلول دیدم، بهین زهر چیز به این فکر افتادم که بیده چگونه رد می‌آید، تصور می‌کنم هر که کار مخفی می‌کند، پس از آنکه به جنگ پلیس می‌افتد به چینی تجزیه و تحلیل درونی می‌پردازد. گوئی روی صفحه خاطرانش تمسک می‌رود و راههای گذشته نزدیک او را مجسم می‌کند. ضمن اینکه از خود می‌پرسد که در کجا نقطه ضعفی پدید آمده است و آنجا افتاده چه در سهای سودمندی برای حزب و رفقای که آزاد هستند می‌توان گرفت. سپس، اگر چه بسیار دشوار بود سعی کردم بسا دنیای خارج ارتباط برقرار کنم، آنچه را اتفناق افتاد خبر دهم، رفتار را از خطر بردارم و آنها را از وضع زندان و شرایط زندان مطلع کنم...

ما تلاش می‌کردیم، حتی الامکان هر چه زودتر حزب را از آنچه به بار داشت انجام بدهد و از عناصر مشکوک و اطلاعاتی که در باره کار مخفی دارد با خبر سازیم. تمام اینها کمک درشتی ندا بیرون برای اجتناب از شکستهای تازه اتخاذ کرد.

ما شکردهای بسیاری پیدا کردیم که امکان

اگر ترا بازداشت کردند، رفیق...

می‌داند هوش و حواس و توجه زندانبانان را منحرف سازیم. کمونیستهای پرتغال، که زندان را از سر گذرانده‌اند، رویدادهای جالب فراوانی به خاطر دارند...

بهر حال، ارتباط با حزب برقرار بود، و این امر برای ما نقش فوق العاده مهمی ایفا می‌کرد. واقعیت انتشار "ارگانهای حزبی" بوسیله خود سازمانهای حزبی زندان هم از قدرت و استعداد پیکار آنها حکایت می‌کند. بطور مثال مجله "همبستگی" ویژه مسایل شوریک و "بولتن زندان" وجود داشت. این مجلات روی کاغذ به بندهای با حرف میکروسکوپی ریز نوشته می‌شد و حتی با تنها ویبری می‌گردید. این گواهان ادبی تیروی روحی و آرا ده ظن نا پذیر کمونیستها بین زندانبانها وجه زیادی کسب کردند و از سلولهای به سلول دیگر دست به دست می‌شدند. ما مجبور می‌شدیم تکنیک انتشار مجله را در ایما تکمیل کنیم. بطور مثال ما جایی در گوشه سلول دیوار را سوراخ می‌کردیم و مجله رابه همسایه ها می‌رساندیم. طبیعی است بنهنگاری کا ملا عایت می‌شد. چون حتی یک لحظه هم ما را از نظردور نمی‌داشتند. زندانبانان مرتباً به سلول می‌آمدند و به دقت همه جا را می‌گشتند، کا غذا را بیاره می‌گردند، کتابها را ورق می‌زدند، در زدوشک ها را می‌شکافتند، امتحان می‌کردند که پایه های چهار پایه ها تاسو خالی نباشد و در خواب راهم می‌گشتند...

وقتی بود که تخریب و فشار در زندانبانها بسیار شدید می‌شد: زندانبانان را در ایما مجازات می‌کردند، علفات با اقوام و نزدیکان و نیز هوا خوری قدغن می‌شد، زندانبانان رابه زندان انفرادی می‌انداختند و خوراکنان فقط نان و آب می‌شد. این طرز رفتار سالها روز بروز ادامه داشت. ولی ما تسلیم نمی‌شدیم و روزها و شبها با هم در زندان مبارزه می‌کردیم. تحت سربری کمونیستها بعنوان اعتراض اعتصابهای غذا سازمان داده می‌شد، جلساتی برگزار می‌کردیم و کتابها از وضع زندان شکایت می‌شد. گاهی موفق می‌شدیم، وضع خود را کمی بهبود بخیم. رژیم زندانبانان انفرادی لغو می‌شد، با اجازه می‌دادند کتاب بخوانیم، دوره جمع شویم و چند ساعت از روز را با هم با شیم.

حزب در میان زندانبانان و بطور کلی در میان تمام رفقای که می‌توانستند هر لحظه به دام دستگیر شدن، تضیقاتی و جنگ پلیس بیفتند، کار تربیتی عظیمی انجام می‌داد، به آنها درس مقاومت و پایداری می‌داد و آموخت که چگونه در زندان جسمی و اخلاقی را تحمل کنند. بطور مثال چندین پرورشور مخصوص تهیه شده بود، از جمله جزوه کوچکی تحت عنوان "اگر تو را بازداشت کردند، رفیق..." که برای نخستین بار در سال ۱۹۶۷ انتشار یافت. این جزوه بمنزله راهنمایی بود که چگونه باید در مقابل پلیس مقاومت کرد، در موقع زرسی،

در دادگاه و در زندان چگونه رفتار کرد. رفقای که از طرف بیده بازداشت شده بودند بعد از ما گفتند، که این پرورشوری که روی کاغذ بسیار نازکی چاپ شده بود، در تحمل مشقات زندانبان به آساکسک کرد...

معمولاً ما بدون زندانبان سیاسی سرور کار داشتیم. یک دسته مقاوم و استوار بودند و چنانکه مطلب است قرص و حسابی مانده بودند. ولی دسته دیگر که شکنجه و آزار و تحقیر اهانتهار تحمل نکرده بودند، در مقابل پلیس ضعف نشان می‌دادند. "برمی‌گشتند"، و حتی بعضی از آنها خاشاک را ز آب درمی‌آوردند و رژیم می‌پوشیدند. در ضمن باید در نظر داشت که اندازه و پیمانه روحی مختلف بود: موارد کم و بیش جدی وجود داشته اما تلاش می‌کردیم به گمانی کمک کنیم، که سنتی به خرج داده و در یک لحظه ضعف نشان داده بودند. ولی می‌خواستند از توبه مبارزان ادامه دهند. ولی خاشاک (که در حقیقت تعدادشان زیاد نبود) بدون چون و چیراز صفوف حزب طرد می‌شدند...

پس از صدور نخستین حکم محکومیت ما رابه دز ترون وسطایی بنشیند، که در شبه جزیره ای در صد کیلومتری لیسبون قرار دارد رفتادند. مدت زیادی گذشت. ولی همیشه فکر فرار در سرم بود. وقتی که به زندان انفرادی اقدام از نسو کوشش کردم فرار کنم، اگر چه تمام درهای لباس رولیا بسیار زینر انکبانان گفته بودند، موفق شدم مخفیانه یک تیکه کوچک که از یک قاشق درست شده بود با یک تکه سیم با خودم به سلول انفرادی ببرم. به کمک این وسایل ساده موفق شدم شبها در مخیم سلول سلول را سوراخ واره کنم. ولی همیشه همه چیز آماده شدم زندانبانان انفرادی بودن من به سر رسید و دوباره رابه ساختمان اطلسی منتقل کردند. پیش از رفتن سوراخ در راه طوری پوشاندم که زندانبانان متوجه آن نشدند...

بسیار روز پس از این بار دیگر "مستحق" زندان انفرادی شدم. سه ماه محزه ای شد دوباره نسبت سلولی اقدام که در آنرا زره کرده بودم. فقط لازم بود به انتظار یک شب تاریک و بدون مهتاب بنشینم تا بخت خود را آزمایش کنم...

بزرگی چنین فرصتی به دست آمد. دسامبر سال ۱۹۶۴ بود. اقیانوس اطلس طوفانی بود. امواج اقیانوس به ارتفاع بسیار زیاد دایا لامی آمدند و با صدای وحشتناکی به دیوار زندان می‌خوردند و دیوارهای سلول را در بر می‌گرفتند. در تصمیم خود را گرفتیم: وقت مناسب رسیده است که لبها سپاهیم را مشعل بچغای بستم و بطورابه شکل تمهه های با ریسک بریدم و از آنها طنا بیافتم. ما بر چیزیها به سرعت برق انجام گرفت: من قطعه اره شده را از در بیرون آوردم، به سرعت از آنجا خارج شدم و مثل برق ز محوطه روشن می‌ان سلول دیوار افتادم و به کمک طنابی که درست کرده بودم از سردیوا ربه طرف اقیانوس پایین آمدم. اما طناب خیلی کوتاه بود، وقتی برای فکر کردن باقی نماند. دستم را ول کردم و به مسان آب بیخ دریا افتادم. وقت افتادن به مسفره ای خوردم ولی خودم را نجا ختم و توانستم با زحمت ما فوق تصویری خود را به ساحل برسانم...

از میان گزارشها

نشارها نمونه‌های ارزنده‌ای از مقاومت دستجعی علیه این تضیقات به چشم می‌خورد، از جمله در کارخانه بارس الکتریک مدیریت دستور داد در این ماه غذای شیرخوارگاه کارخانه هم قطع شود. در مقابل، مادران کودکان شیرخوارگاه که کارگر این کارخانه بودند، دست از کار می‌کشند و عمل مشترک و متحد آنان مدیریت را به عقب نشینی واداشت و اطفال از روز داری معاف شدند!

تعاونی های مسکن کارگری در مبارزه برای تامین مسکن

تعاونیهای مسکن کارگری با وجود خرابکاریها و کاشیکهای جمهوری اسلامی، همچنان به مبارزه در راه تامین مسکن کارگران ادامه می‌دهند. ۴۶ تعاونی مسکن کارگری که مبارزه مشترکی را پیش می‌برند، با وجود تفرقه افکنی ها و اخلال گریها اتحاد خود را حفظ کرده‌اند. آنها مدتها قبل موفق شده بودند زمینهای را در شهر گریب به دست آورند. اما ارگانهای دولتی به بهانه‌های گوناگون، از جمله پیش کشیدن مواج حقوقی، مانع آغاز کار می‌شدند. در اسفند ماه کارگران تصمیم گرفته بودند که بی توجه به مخالفت دولت، خود را سا کار عملیات ساختمانی را آغاز نمایند. اما دولت از طریق یکی از نمایندگان مجلس و مسئولین خانه کارگر موفق می‌شوند با این وعده و وعید، کارگران را راضی نماید تا اجرای تصمیم خود را به عقب اندازند. اما کمی بعد کارگران مطلع می‌شوند که دولت با تجاوز آشکار به حقوق آنها قصد دارد زمینهایشان را به نیروی

آلین نامه فاشیستی علیه دانشجویان

دیکتاتور رژیم شاه، در جریان انقلاب و پس از آن، در حال حاضر و همچنین در آینده، دانشگاه یکی از سنگرهای مستحکم مبارزه برای تمسک میان زمین انقلابی به حساب می‌آید. پیش از انقلاب دانشجویان از طریق شرکت در اعتصابات صنفی و سیاسی، شرکت در اعتراضات توده‌ای، فعالیت در سازمانها، احزاب و گروههای انقلابی، جای ویژه‌ای در مبارزات ضد سلطنتی - فدا می‌پایستی و دمکراتیک میهنی با زری کرده‌اند. محروم کردن دانشجویان از حقوق صنفی، سیاسی و منع کردن آنان از هرگونه فعالیت سیاسی انقلابی و تلاش گوی رژیم باشد، تلاشی است به شدت ارتجاعی و محکوم به شکست. در دوران شاه منظور "گیارد دانشگاه" که از اعمال فاشیستی ترین خونخوشتها و کثیف ترین جنایات در حق دانشجویان انقلابی فروگذار نمی‌کرد، مجری همین نقشه‌های پلیس و ضد انقلابی بود. جمهوری اسلامی علاوه بر تحسار آگرد آبی مهری، آزمون های آویشان هیلتی را هم علیه دانشجویان کشور ما بکار می‌گیرد. اما تاریخ، سرنوشت این تلاهای تبهکارانه را با شک و نفرت و شکست ابدی قریب ساخته است. اینگونه اقدامات ضد انقلابی که با هدف بسط دیکتاتوری و خفان قرون وسطایی در جامعه صورت می‌گیرد، توده‌های بیشتری از مردم میهن ما، بالاص بخشهای وسیعتری از دانشجویان را در مقابل رژیم قرار خواهد داد. دانشجویان هرگز سکر همیشگی خویش علیه ارتجاع و استبداد را ترک نخواهند کرد. حکومت در محیط دانشگاه بدر خشونت و خفان می‌پا شد اما جز خوشه های ختم انقلابی دانشجویان درو نخواهد کرد.

هوایی بدهد. اعتراضات آنها به مسئولین دولتی بی نتیجه ماند. از این رو با دادن التیماتی به دولت اخطار کردند که اگر تا اول تیرماه مسائل موجود حل نشود، کارگران قاطعانه کار ساختمان را آغاز خواهند کرد. انجام محسنت کارگران هراس حکومت را برانگیخت. ما مورین سپاه کوشیدند نمایندگان کارگران را متفرس سازند که موفق نشدند. نمایندگان کارگران بی توجه به امر و نهی آنها، دسته جمعی به سوی محل استقرار هیئت منقره مسئول مسکن راهپیمایی کردند. در آنجا نیز مقاومت ما مورین بی نتیجه ماند. هیئت سه نفره کوشید با طر ح مشکلات دولت و موعظه بر سر مسئله جنگ از پذیرش مطالبات کارگران سر باز زند. اما کارگران پس از تکرار قاطعانه تصمیم خود محل را ترک می‌کنند. در برابر لاجت حکومت بعضی از تعاونیها، از جمله تعاونی صنایع هوایی می، تصمیم می‌گیرند که به تنهایی کار ساختمان را شروع کنند. اما سراجام توسط دیگر کارگران قانع می‌شوند که مبارزه مشترک باید ادامه یابد و اقدامات منفرد ربه جایی نخواهد برد.

یکی از مسئولین خانه کارگر هم فریبکارانه به کارگران میگفت که "به صلاح کارگران مسلمان نیست در کنار سرمایه دارها و دکترها در شهرک غرب زندگی کنند". اما این ترغند هم بی نتیجه بود. وحدت، قاطعیت، پیگیری و هشیار کارگران حکومت را به عقب نشاند و در نیمه تیرماه تعداد ۱۴۶۰ قطعه زمین در اختیار آنها قرار گرفت. با اینکه این تعداد از حداقل مورد نیاز کارگران برای فاز اول عملیات ساختمانی نیز کمتر میباشد، اما راه را برای مبارزه در راه گرفتن بقیه زمینهای مورد نیاز هموار کرده است.

پیروزی از آن ماست

مناسبت شصت و چهارمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست ایران

یکم تیرماه امسال برابر بودباشتم و چهارمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست ایران. در تیرماه سال ۱۳۴۹، کنگره حزب عدالت، حزب سوسیال دمکرات کارگری ایران، که دستاورد نزدیک به دهه پیکار سوسیال دمکرات ها در آن متبلور شده بود، بنیانگذاری حزب کمونیست ایران را اعلام کرد. این رویداد در تاریخ ۸۰ ساله جنبش انقلابی کارگری ما جای بسیار برجسته ای دارد و سراغ دوران نویینی است.

نخستین هفته های سوسیال دمکراسی ایران ۱۵ سال پیش از آن توسط مهاجرین ایرانی در باکو و تهران، تبریز، رشت، مشهد و برخی دیگر از شهرهای کشورمان پدید آمدند. کارنوهای سوسیال دمکراسی ایران در جریان انقلاب مشروطیت نقش بسیار موثر و برجسته ای داشتند. نقش آنها در آگاسازی مردم و برانگیختن و سازمان دادن مبارزین برای درهم شکستن استبداد بی نظیربود، در این راستا "اجتماعیون عامیون" سازمان سیاسی آژموده سوسیال دمکراتهای ایران کارنامه انقلابی نخستین نسل پیروان سوسیالیسم را بر صفحات تاریخ میهن ما نگاشت. سالها بعد، در راستای تکوین مبارزات سوسیال دمکراتها و با الهام از اندیشه های انقلابی امیل ترین بخش جنبش کارگری جهان به رهبری لنین که به دلیل موقعیت ویژه کشور ما و همبستگی های مبارزاتی مردم ما با مردم ماورای قفقاز امکان بهره مندی مستقیم از آن فراهم شده بود، حزب عدالت تشکیل شد که رسالت انتقال پرچم جنبش انقلابی کارگری به حزب کمونیست ایران را به عهده گرفت. حزب کمونیست ایران این پرچم خورنگ را بلندتر برافراشت و دلیرانه پاس داشت. این پرچم از دست حیدرعمو اوغلی رهبر برجسته حزب کمونیست ایران به دست آرائی رهبر فرزانه کارگران و رنجبران رسید. آرائی بایک وار با خون خویشتن سرخی پرچم کارگران را جلا داد و به دست یاران خویشتن آن را بر فراز حزب توده ایران به اهتزاز در آورد. در طول تاریخ ۴۳ ساله حزب توده ایران هزاران دست برای به زیور کشیدن پرچم سرخ ما دراز شد. اما این پرچم همچنان برافراشته ماند و دست بدست، سیاهترین و تپه ترین ناله ها را پشت سر گذاشت. ایننگ توده ایها و فدائیان میراثداران پرچم جنبش انقلابی کارگری آن را رو به پیروزی فردا، که بیگمان دیر نخواهد بود افراشته اند.

از آن زمان که حزب کمونیست ایران بنیاد گذاشته شد، در روند تکوین و تکامل جنبش کمونیستی ایران دوره های بس خوببار و دشواری پیموده شد، اما دشواری ها و شکست ها هرگز نتوانستند جنبش ما را نابود سازند و از حرکت باز دارند، چراکه پیدایش و گسترش و سرانجام پیروزی جنبش ما فرمان تاریخ است و این فرمان به سرنیزه و تیرنگ و افسون، نیست و نابسود نمی شود.

فرمان تاریخ

دشمنان جنبش کمونیستی ایران مانند همه دشمنان کمونیسم در جهان همواره تلاش کرده اند تا جنبش ما را "سفارتی"، "فرمایشی" و "بیگانه" شرایط جامعه بشناسند. اما راز جاودانگی جنبش ما پیش از هر چیز در ریشه های زرف تاریخی و ضرورت اجتناب ناپذیر پیدایش و گسترش و پیروزی آن است.

هنگامی که کارل مارکس و فریدریش انگلس در سال ۱۸۴۸ نخستین سند برنامه ای جنبش کمونیستی را ارائه دادند، کمونیستها در سراسر کشورهای اروپایی نیروی بسیار اندکی بودند. بورژوازی و همه ارتجاع از این نیروی اندک و آلمان های آن سخت در هراس بود. اما آنها هرگز نتوانستند تصور کنند که از این نطفه سرخی که در بطن سرمایه داری کاشته شد چه خواهد رویید. مارکس و انگلس اعلام کردند که کمونیسم ضرورت تاریخ و آینده تاریخ است. اما از نظر ارتجاع اروپا چیزی "غیر ضرور تر و بی آینده تر" از کمونیسم وجود نداشت. اکنون نزدیک به یک و نیم قرن از پیدایش کمونیسم علمی می گذرد. کسانی که چشمپایان را تاریخ کور نکرده باشد، وقتی به سیر اندیشه و جنبش کمونیستی در این مدت بنگرند، هرگز نمی توانند انکار کنند که تاریخ این یک قرن و نیم، تاریخ شکست های بی در پی سرمایه داری، تاریخ پیروزی های بی پای کمونیسم و تاریخ تحقق آرزوهای کارل مارکس و فریدریش انگلس در یک سوم کره زمین با جمعیتی بیش از یک و نیم میلیارد نفر است. آیا کمونیستها برای اثبات ضرورت تاریخی جنبش خود و حقانیت

آرمانهای خویش به دلیلی بیش از آنچه تاریخ در این یک قرن و نیم اثبات کرده نیاز دارند؟ اندیشه پردازان سرمایه داری همچنان در جستجوی علل پیروزیهای کمونیستها هستند. آنها این "علل" را در هر چیزی جستجو می کنند مگر در ضرورت و حقانیت کمونیسم. اما علل پیروزی کمونیستها، علمی که یک قرن و نیم پیش از این مارکس و انگلس به اتکال آنها پیروزی کمونیسم را وعده دادند درست در همین جاست. کمونیسم ایدئولوژی علمی طبقه کارگر، انقلابی ترین نیروی رنجبر سر اسر تاریخ است. همان اندازه که پیدایش سرمایه داری و طبقه کارگر اجتناب ناپذیر بود، پیدایش سوسیالیسم و کمونیسم علمی که طبقه کارگر در پرتو آن به رهایی خود و همه بشریت نیز بر می خیزد نیز اجتناب ناپذیر بود. ضرورت و حقانیت کمونیسم نیز به هم آمیخته اند. حقانیت کمونیسم با گنگر حقانیت بشریت در نابودی همه مظاهر ضدبشری جامعه و بنای جامعه ای میرا از هرگونه بهره کشی و ستم و جنگ و مردم کشی است.

تاریخ ۱۵۰ ساله کمونیسم نشان میدهد که علاوه بر طبقه کارگر، همه طبقات رنجبر و ملل زیرستم هر روز بیشتر به اندیشه های کمونیستی گرایش یافته و می یابند. توده های محروم و ملل ستمدیده هر روز بیشتر پی می برند که در پرتو اندیشه های سوسیالیستی و در اتحاد با کشورهای سوسیالیستی توان و امکان لازم برای آزادی و بهروزی خود به دست می آورند.

جنبش کمونیستی ایران به مثابه بخش تفکیک ناپذیری از جنبش جهانی کمونیستی ریشه در همان ضرورت های ژرفی دارد که در مقیاس جهانی پیدایش و گسترش و پیروزی کمونیسم را مقدر کرده است. جنبش کمونیستی ایران حامل همان حقانیتی است که کمونیسم در مقیاس جهانی آن را محقق می سازد.

شکل گیری جنبش انقلابی طبقه کارگر در ایران از همان آغاز ریشه در ضرورت های عینی جامعه ما داشته است. نخستین نطفه های جنبش ما هنگامی شکل گرفت که جامعه ما در شرایط قرون وسطایی زیر نفوذ ویرانگر استعمار کهنه بسر می برد.

سلطه و نفوذ استعمار، حاکمیت نظام ارباب و رعیتی و فرمانروایی استبداد سیاه، جامعه ما را به جنگلی شبیه کرده بود که در آن توده های مردم به خشن ترین شکل طعمه بهره کشان و غارتگران بودند. شاه مظفّرالدین ها، شیخ فضل الله ها، انبوه "سلطنه ها" و "دوله ها" و "فرمانرها" ما موران انگلیسی و عوامل تزار، در یک جبهه سیاه ضد مردم به مگردن خون و ربودن ثروت های ملی ما مشغول بودند. پیدایش نخستین هفته های سوسیال دمکراسی ایران، از نظر این جبهه ارتجاع و ستم درست مثل امروز بسیار "غریب" و "بیگانه" و "نامتناسب با شرایط جامعه ایرانی" می نمود. آنها هرگز نمی توانستند هیچگونه هماهنگی میان آرمانهای سوسیالیستی با نظام قرون وسطایی و رفته بی پای آن تبیگار رهیای خویش بیابند. ارتجاع قاچا ر نیز مثل ارتجاع پهلوی و ارتجاع کثونی هرگز با اندیشه ای این همه متضاد با "شرع" و "شرایط" ستمگران و روبرو نشده بود. اما از نظر دشمنان آگاه و راسخ قدم استعمار و استبداد و ستم، اشاعه اندیشه های سوسیالیستی در جریان جنبش مشروطیت همچون آذرخشی بود که ظلمت را می -

شکافت و راه مبارزه مردم را تا شیخ پیروزی روشن می ساخت. از همین رو پیشروترین نمایندگان جنبش ضد استبدادی و شمار زیادی از ادیبان، دانشمندان و هنرمندان خدمتگزار مردم پادرواه تجهیز به سلاح سوسیالیسم گذاردند و بسیاری از آنان از چهره های برجسته نخستین نسل کمونیست های ایران شدند. علل وجودی جنبش کمونیستی در ایران در راستای تاریخ ۸۰ ساله جنبش انقلابی کارگری کشور ما پیوسته زرفتر و گسترده ترند. افزایش نفوذ و برقراری حاکمیت سرمایه داری و همراه با آن رشد کمی و کیفی طبقه کارگر زمینه عینی اشاعه اندیشه های سوسیالیستی و بنیانی های اجتماعی جنبش کمونیستی را گسترش داد. در این روند است که سرنوشت انقلاب اجتماعی هرچگونه زرفتر با رهبری کمونیستها پیوند خورده است.

پیروزی انقلاب اجتماعی و نیل به سوسیالیسم در گرو رهبری کمونیست هاست تجربه انقلاب بهمین در کشور ما بار دیگر اثبات کرده است که زمانی که انقلاب سیاسی دست بر انداختن کامل سلطه طبقات بهره کش به انقلاب اجتماعی فرا نرود، جبرا به بازگشت و سرانجام

شکست منجر می شود و اساسی ترین دستاوردهای مبارزات استقلال طلبانه مردم بار دیگر از میان می رود. محتوای تحولات اجتماعی و مفهوم عدالت اجتماعی - که شمار شناخته شده میلیونها رنجبر بیباخته کشور ماست - نسبی است. بسته به این که جامعه در چه سطحی از تکامل مناسبات اقتصادی - اجتماعی قرار داشته باشد، شرایط برای تحولات معینی در سمت تحقق عدالت اجتماعی فراهم می شود. از سوی دیگر در طیف نیروهای مردمی عدالت اجتماعی با محتوای متفاوتی مطرح می گردد. در کشور ما بسیاری از نیروهای مردمی همچنان در تلاش آند که بین سوسیالیسم و سرمایه داری شق ثالثی بیابند، و از "راه سوم" جامعه را بسوی عدالت اجتماعی هدایت کنند. انقلاب بهمین آزمایشگاه بسیار بزرگی برای آزمودن زیر و بم و سرانجام "راه سوم" شد. این انقلاب بار دیگر ثابت کرد که "راه سوم" وجود ندارد و آن سراسی که بعنوان "راه سوم" معرفی می شود، در بهترین حالت چیزی جز ریشه راه مائند، در هم شکستن و غلتیدن به "شاهراه" سرمایه داری در بر ندارد. آن نیروهای مردمی که تلاش می کنند آرمانهای عدالت پژوهانه را در قالبی مغایر سوسیالیسم بکنجاند باید بدانند که نه می توان تاریخ را بر سر دوراهی نگه داشت و نه تاریخ می گذارد آنان بر سردوراهی بمانند.

آنچه کمونیستها را از مدعیان گوناگون عدالت اجتماعی متمایز می کند، آرمان و نبرد آنان برای برانداختن بنیاد بهره کشی است. کمونیست ها وقتی می گویند عدالت اجتماعی، آن رسته تحولات بنیادین اجتماعی را مد نظر دارند که به سوسیالیسم می انجامد و در سوسیالیسم و کمونیسم کمال می یابد. کمونیسم از همان آغاز پیدایش موجودیت شکوفنده خود را با ادامه درک علمی و تاریخی از عدالت اجتماعی اسلام کرد و آرمانی را پیش روی بشریت گذارد که با تحقق آن بیکار طبقاتی به سرانجام نهایی میرسد و بشر زندگی کامل نوینی را آغاز میکند. کارل مارکس و فریدریش انگلس، در سده برنامه ای جاودان جنبش کمونیستی، - مانیفست حزب کمونیست - اعلام کردند:

... خصیصه کمونیسم برانداختن مالکیت بطور اعم نیست، بلکه برانداختن مالکیت بورژوازی است. ولی مالکیت بورژوازی آخرین و کامل ترین مظهر آنچنان شیوه تولید و تصاحب محصول است که بر تفادهای طبقاتی و بهره کشی از انسانها به دست انسانهای دیگر استوار است. با چنین مفهومی کمونیستها می توانستند تئوری خود را در یک کلمه خلاصه کنند: برانداختن مالکیت خصوصی. روشن است که آرمان اجتماعی جنبش کمونیستی ایران همانست که از سوی مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیست اعلام شد. کمونیستها ایران در راستای آرمان، در هر مرحله از تکامل جامعه و متناسب با ظرفیت های عینی و ذهنی جنبش، تحولات اجتماعی نسبی را در دستور مبارزه قرار داده اند. در همین روند پیوسته شرایط برای انجام تحولات اجتماعی بنیادی تری فراهم گردید.

امروز جامعه ما در چنان سطحی از تکامل اجتماعی - اقتصادی قرار دارد که باید همچنان از مرحله تحولات دمکراتیک بگذرد اما چنانچه نیل به سوسیالیسم هدف نهایی تحولات اجتماعی قرار نگیرد، انقلاب در نیمه راه باز می ماند و شکست می خورد. پیشاهنگ انقلابی توده ها قطعاً باید پاسخگوی این ضرورت تاریخی باشد، و جنبش کمونیستی نیز همین رسالت را سر عهده دارد. پیروزی انقلاب اجتماعی و نیل به سوسیالیسم در گرو رهبری کمونیستها است.

ما پیروزی ما "نسبی در اروپا کشته می زند، شیخ کمونیسم، همه قدرتمندان اروپای کهنه، پاپ و تزار، مترنخ و گیزو، رادیکال های فرانسه و پلیس آلمان، برای تاراندن این شیخ به جهاد برخاسته اند، کجاست حزب ایوژسونی که مخالفان سه قدرت رسیده اش مهر کمونیستی بر آن زنند و او کجاست حزب ایوژسینی که بنوبه خود، هم سر عناصر پیشگام تر ایوژسیون و هم برحالیگان مرتعش داغ اتهام کمونیستی نکود؟"

کارل مارکس و فریدریش انگلس رهبران کارگران جهان "مانیفست حزب کمونیست" را با این طلالت آغاز کردند. اکنون به جای اسامی ای که در اینجا بکار رفته اسامی امروزی و ایرانی بگذارید تا از تداوم و تکرار موبومی این "جهاد" نامقدس در کشور ما دچار حیرت شوید. امروز هم "قدرت" - میدان اروپای کهنه و آمریکا، روحانیون مرتجع و شاهپرستان، شیوخ مرتجع و دیکتاتورهای سربریده، لبرالیهای وطنی و اوباشان مسلح برای "تاراندن این شیخ" به "جهاد" مشغولند. امروز هم شاهپرستان به روحانیون مرتجع حاکم

می گویند کمونیست. ایمن به لیبرالیسم می گویند کمونیست. لیبرالها متقابلاً به آنها هم نیروهای ترقیخواه می گویند کمونیست. و بالاخره پاره‌ای از این نیروها برای "دفع شر" همدیگر را منبهم می‌کنند!

توطئه‌ها و فاجعه‌هایی که جنبش کمونیستی کشور ما را آماج قرار داده است، نمونه کم نظیری در تمام کشورهای جهان است. این وضعیت سواً شرایط معمول در یک جامعه وابسته به امپریالیسم، معلول آمیزش عوامل ویژه‌ای است. منافع مادی عظیم امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا در کشور ما، نیرومندترین عامل بسیج قدرت‌های اهریمنی علیه جنبش کمونیستی ایران است. منافع سرشار نفت و گاز کشور ما سالها است که منبع سودهای دهها میلیاردی آمریکا و دیگر امپریالیستها و تامین کننده بخش مهمی از نیازهای انرژی آنان است.

موقعیت جغرافیایی و استراتژیک کشور ماکه از یکسو دارای مرز بسیار طولانی با اتحاد شوروی و از سوی دیگر با خلیج فارس "منطقه منافع حیاتی" امپریالیسم است؛ عامل دیگر تشدید کم مانند تلاشهای امپریالیستی علیه جنبش انقلابی ما است. بورژوازی ارتجاعی ایران حاصل ناسیونالیسم ارتجاعی به شدت ضدشوروی است. بورژوازی ارتجاعی ایران پس از پیروزی انقلاب کبیر اکثر و برافتادن تزارها کوشید تا نفرت مردم ایران از رژیم تزاری را به دشمنی آنان با "روسها" و با اتحاد شوروی تبدیل کند. امپریالیستها و بویژه بورژوازی توانستند این گرایش ارتجاعی را در سطح جامعه تعمیم دهند، اما موفق شدند در سطح بورژوازی و تزاری از خورده بورژوازی منظور خود را برآورده سازند. گرایش به شدت ضد کمونیستی غالب بر دستگاه روحانیت ایران، عامل خطرناک دیگری علیه جنبش کمونیستی ما است. این گرایش که با ناسیونالیسم ارتجاعی ضدشوروی پیوند دارد، سواً ویژگیهای مذهب، دارای ریشه‌های تاریخی است. روحانیت ارتجاعی و عظمت طلب ایران که سالها خود را در مرکز یک امپراتوری و برخوردار از "مواهبت" ان می‌دیده، علاوه بر فزاید نظری با کمونیسم بطور عینی و با مشاهده آنچه در جمهوری‌های آسیایی اتحاد شوروی متحقق شده لمس کرده دروسیالیسم جایی برای نشو و نما و اندیشه‌های ارتجاعی و

ارتجاع درین بست جنگ

کنند که گویا پیروزی نظامی در دوقدمی "سیاه اسلام" است.

کسانی که به غلط بودن سیاست ادامه جنگ پی برده باشند، کسی که پذیرفته باشد، با همسایگان همزیستی کند و اختلافات فیما بین را بر اساس اصول عدم مداخله در امور یکدیگر و احترام به تمامیت ارضی همسایگان حل کند، چنین کسانی نمی‌گوید. با اینهمه، هیا هو و رجزخوانی مردمفریبی برای "جیش" حکومت آبرو نماند. رهبران جمهوری اسلامی که مدتها به خودفریبی در تقابل نیروی طرف متخاصم مشغول بودند، اکنون اظهار میدارند:

"فعلاً توقع اینکه به این زودی مدام خودش سقوط کند یا تجربه‌ای که ما از کشورهای استکباری داریم، توقع خوبی نیست، برای اینکه واقعیت‌ها نیست." (رفسنجانی ۴ تیر ۶۲)

روشن است که منظور وی سقوط مدام دست ارتش ایمن و "برقراری جمهوری اسلامی در عراق" است. این گفته ناقص حرفهای ۲۲ خرداد همین آقاقت. البته این آقا در این مدت کورتسواه "واقع بین" نشده است، و این "واقع بین" هم نتیجه طرد افکار توسعه طلبانه جمهوری اسلامی نیست. شکست‌های مکرر نظامی جمهوری اسلامی غیرقابل دسترس بودن پیروزی نظامی و شکستهای سیاسی و گسترش روزافزون مخالفت مردم و نیروهای مسلح آنها را مطابق گفته رفسنجانی "واقع بین" کرده است. ما شین جنگی رژیم در با تلاق هتای جنوب عراق فرو رفته و کشتی جنگی رژیم در آسپای خلیج به گل نشسته است. بی تصمیمی و سرگردانی رهبران رژیم ناشی از این واقعیت و بر خلاف میل قلبی آنها برای ادامه و گسترش جنگ است. زمانی که مدام به ایران حمله کرد، ارزیابی او از قدرت مقاومت مردم ایران این بود که در فاصله کوتاهی خوزستان را ضمیمه عراق خواهد کرد. اما پس از آزادی خرمشهر او درک کرد که این ارزیابی تا چه اندازه خطا بوده است، و بناچار تاکتیک خود را تغییر داد و سیاست دیگری را در پیش گرفت. زمسان آزادی خرمشهر، ایران در بهترین موقعیت ورژیم مدام در ضعیفترین موقعیت در تمام طول جنگ قرار داشتند. اما رهبران جمهوری اسلامی بجای بکارگیری عقل و خرد به دیوانه‌سری روی آوردند، فیل آنها یاد هندوستان کرد و شعار ادامه جنگ

برآورده شدن منافع آنان وجود نخواهد داشت. از همین رو، در حالی که بسیاری از روحانیون مذهبیون ترقیخواه مثل شیخ محمد خیابانی و میرزا کوچک خان و آیت الله طالقانی درجهبه انقلاب بیکار کرده‌اند، روحانیت ارتجاعی از همان آغاز به تکفیر ردیالنه کمونیسم و دامن زدن به فریبکارانه ترین و مستهجن ترین تبلیغات علیه کمونیستها و علیه اتحاد شوروی گمرست. روحانیت ارتجاعی همچون ناسیونالیستهای ارتجاعی ایران هنوز اندیشه تعمیم امپراتوری "مقدس" خود به بخشهای جنوبی اتحاد شوروی را رها نکرده است.

جنبش انقلابی کشور ما همواره با دیکتاتور بسیار خشن و خونینی همراه بوده که امپریالیسم و ارتجاع آن را به عنوان مطمئن ترین شیوه پاسداری از منافع خود بر مینماید. امروز هم رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر و به شکلی بس ددمنشانه تر استبداد قرون وسطایی و تروریسم فاشیستی را بر جامعه ما تحمیل کرده است تا مگر کاری را که شاهان از انجام ناتوان بودند، به دست سفگان دیگر به سرانجام برسانند. رهبران و کارگزاران مرتجع جمهوری اسلامی با آرمان و اندیشه‌هایی تباها از اعماق قرون وسطی نه تنها علیه کمونیستها، بلکه علیه همه جریانهای ترقیخواه و علیه همه فرهنگ و سنن مردمی کشور ما به تاخت و تاز مشغول شده‌اند. اینها فریبکارانه می‌گویند اعتقادات مذهبی مردم را به حربه خطرناکی علیه خود آنان، علیه همه مردم با فرهنگ، علیه همه شخصیت‌های انقلابی، علمی، ادبی و هنری کشور ما، علیه سازمانهای انقلابی و در راس همه علیه جنبش کمونیستی ایران بیکار گیرند. کمونیستها وقتی جنبش خود، راه خود و آرمان خود را با خط سیاه چرکین مرتجعین حاکم مقایسه می‌کنند، وقتی چنین چرکسانی را بر پهنه پاک میهن و بر فراز پیکر شهدای انقلاب می‌نگرند، وقتی دشمنی ایشان را با رنجبران، با آزادی مردم، با شکوفایی فرهنگ و با مهر و عطفوت و فزوانگی انسان می‌بینند، هزار بار بیشتر عاشق جنبش خویش می‌شوند و هزار بار از ارتجاعی که چه سره گریه‌شان را اینگونه به نمایش گذاشته است، بیزارتر می‌گردند. نبرد نور و ظلمت که در همه آثار شاعران و نویسندگان و هنرمندان کشور منعکس است، اینک با تمام ایماحاش در برابر ما منعکس

جیش کمونیستی ایران در تهاجم متحدانه امپریالیسم و ارتجاع امروز بسیاری از زندگان شده است. از صفوف جنبش، کسانی شهید شده‌اند، کسانی در زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم از آرمان‌های تابناک خود دفاع می‌کنند، کسانی نیز شکتستند و سنگسر رزم را ترک کردند. با اینهمه، مشاهده بستی و زبونی و بیفرامی دشمنان ما و خواری و تباها و نیستی مرتجعین، اعتقاد ما را به پیروزی آرمان و جنبش ما داخما استوارتر می‌کند. کمونیسم شعله‌ای جاوید فرا راه مردم است و کمونیست بی‌ثروی از این شعله فروزان است. کمونیست همواره میزند، همواره پیش می‌رود، همواره راه و آرمان خود را پاس می‌دارد، و برابر شدیدترین رنج‌سازان رژیم می‌ایستد و در سخت‌ترین شرایط به پیروزی خویش مطمئن است.

ما کمونیست‌ها در روسیه تزارها را در هم شکستیم، در جنبه‌های بزرگ ترین جنگ تاریخ، فاشیسم هیتلری و متحدینش را متلاشی کردیم. بر آوار حکومتهای فاشیستی و ارتجاعی برج سرخ در آلمان دگرناژیک، لهستان، رومانی، یوگسلاوی، بلغارستان، مجارستان، چکسلواکی و آلبانی به اهتزاز در آوردیم. امپراتوران و فرمانروایان مرتجع چین را در گورستان تاریخ دفن کردیم. در ویتنام، کره، کامبوج و لائوس، آمریکا و متحدینش را به زانو در آوردیم، در کوبا در جوار مرزهای آمریکا حکومت دست‌نشانده‌اش را سرنگون کردیم، در نیکاراگو، افغانستان، اتیوپی، آنگولا، یمن، موزامبیک، گینه ... همراه با انقلابیون دیکتات سلاطین و دیکتاتورهای وابسته را درهم کوبیدیم و حکومت مردم را بر قرار کردیم. زیر رهبری ماکونیستها، تنها طرف ۶۵ سال یک و نیم میلیارد انسان در بیش از یک سوم کره زمین بر سرشوت خویش فرمانروا شدند، و اکنون همه آینه‌بند پیش روی ما است. تلاش جامعه ما از مسیر عمومی تاریخ جهان تلاشی بس عبت است.

جنبش انقلابی کشور ما و در راس آن جنبش کمونیستی ایران راه خود را به سوی پیروزی می‌گشاید و دشمنان خود را بکوشند سرانجام : فرو ریزد از بن‌های ستم به نیروی خلاق زحمتکشان

با هدف سرنگونی مدام و حزب‌بعثت و برپایی جمهوری اسلامی در عراق را سر دادند. در این فاصله مدام با طرح شعار صلح، به تدریج حمایت بین‌المللی و نیروی ناسیونالیست عراق را به خدمت رژیم جبار خود در آورد. در حالیکه در همین فاصله رهبران رژیم با عملیات جنگی تجاوز کارانه دهها هزار خانواده ایرانی و عراقی را داغدار، کشور را ویران و ذخایر مادی و معنوی کشور را به خدمت تجار و زمینداران بزرگ و امپریالیسم ذر آوردند و به اعتبار بین‌المللی ایران آسیب رسانند و منافع ملی ما را شدیداً به خطر انداختند.

اکنون این "واقع بین‌ها" نه مطابق آرزوی خود توان پیشری دارند و نه آن شهامت را دارند که به غلط بودن سیاست جنگ طلبانه اعتراف کنند و از راه رفته باز گردند و نه جوابی که مردم را قانع کند و مانع خشم آنان گردد. در این موقعیت‌ساز رژیم چه خواهند کرد و با کدام نقشه؟ آنها ممکن است حمله تازه‌ای را سازمان دهند، اما شکست‌های قلبی آنها را و می‌دارد که امید زیادی به نتایج اینگونه عملیات ننهند. آنها برای خارج شدن از با تلاق که به درون آن قدم گذاشته‌اند به طناب امپریالیسم بیشترین امید را بسته‌اند:

"من امیدوارم که آنها (امپریالیستها) واقع بینانه برخورد کرده باشند و فکری برای آینده منطقه طوری کرده باشند که مردم منطقه از شر اینها (یعنی رژیم مدام) راحت بشوند." (رفسنجانی، ۲۲ خرداد ۶۲ درباره کنفرانس لندن) آمریکا با بهره‌برداری از ادامه جنگ و بیبانه‌های مختلف حضور نظامی و نفوذ خود در منطقه افزایش داده است. سبک‌های سخن پر از کی‌انصارات امپریالیستی یک لحظه از تشویق دو طرف به ادامه جنگ و آقاء و سوسه پیروزی "قریب‌الوقوع" به طرفین دست نمی‌کشند. اکنون آمریکا با ادعای به شدت فریبکارانه "تأمین امنیت سرد در کشتی‌ها در خلیج فارس" نیروهای مسلح خود را در منطقه به چند برابر افزایش داده است و بلوکبندی "شورای همکاری خلیج فارس" را تا سطح اتحادیه نظامی بالا می‌کشد. هدف این اقدامات مداخله در امور کشورهای منطقه و قبل از همه کشور ما است. آمریکا میخواهد ایران را به قبل از انقلاب بیهمن بازگرداند. حکومت ایران با تبلیغات و اقدامات جنگ طلبانه به رژیم مدام فرصت بازم تا تازگیستک ما جارجویانه منطقه‌ای کردن جنگ و سیاست نابود

کردن مراکز تولید و صدور نفت کشور ما را دنبال کند. عملیاتی که فقط بسود آمریکا و ارتجاع منطقه بوده و خواهد بود. ارتجاع ایران ادامه جنگ را به استفاده نمود تا پایه‌های لرزان دیکتاتوری خوین سرمایه را به خیال خود تحکیم و دو سستی و اتحاد با غریب را تا مین نماید. جنگ هنوز همان نقش را ایفا می‌کند. اکنون اثرات مخرب و ویرانگر جنگ بیش از پیش آشکار می‌گردد. اکنون فکرت با ادامه جنگ صفوف نیروهای خمینی را نیز شکافته و تضادهای درون حکومت را بیش از پیش شدت بخشیده است.

مبارزه علیه خطر مداخلات امپریالیسم در امور داخلی کشور ما و مبارزه در راه درهم شکستن سلطه خوین ارتجاع در کشور از همان آغاز با مبارزه در راه قطع جنگ و استقرار صلح پیوند یافته است. رویدادهای اخیر بار دیگر ثابت می‌کند که رهبران جمهوری اسلامی نامجبور نشوند از تداوم جنگ و اقدام به حملات جدید دست بر نمی‌دارند و به آتش بس و صلح تن نمی‌دهند. ما از تمام احزاب و سازمانهای انقلابی ایران دعوت میکنیم که در هماهنگی و گسترش مبارزات صلح طلبانه بیش از پیش بکوشند و با اشتراک مساعی و اتحاد عمل وسیع از آغاز حمله تازه رژیم جلو گیرند و حکومت را به پذیرش آتش‌س و آدارند. ما از مردم ایران و از نیروهای مسلح میهن پرست دعوت می‌کنیم که از مبارزه سازمانهای انقلابی ایران در راه جلوگیری از حمله تازه و گسترش آتش بس به همه جبهه‌ها و برقراری صلح حمایت کنند و در این مبارزه فعالانه شرکت کنند. ما از سازمان ملل و دیگر مراجع بین‌المللی و از تمام شخصیت‌ها، نیروها و دولت‌های صلحدوست جهان دعوت می‌کنیم، که از مبارزات صلح طلبانه مردم ایران هرچه وسیعتر حمایت کنند. بزودی پنجمین سالروز و هفته جنگ فرا می‌رسد. سران رژیم تلاش خواهند کرد با زهم در تبلیغات و عوامفریبی جنایات خود را توجیه کنند و با زهم از احساسات مذهبی جوانان در راه مقاصد جنگ طلبانه خود سود جویند. مردم مبارز ایران نباید به رژیم امکان چنین سوا استفاده‌ای را بدهند. صلح مردم ایران حکم می‌کند که آنها هفته جنگ رژیم را به هفته مبارزه علیه جنگ تبدیل کنند. ما همه سازمانها و محافل صلحدوست ایران را دعوت می‌کنیم با اقدام وسیع و متحدانه در هفته جنگ تلاشها و تبلیغات جنگ افروزانه رژیم را افشا و رسوا سازند.

افغانستان:

سنگ‌های ضدانقلاب فرو میریزد

اخیراً افغانستان انقلابی شاهد پیروزیهای مهمی بوده است. در هفته‌های اخیر سرکوب دستجات ضدانقلابی در ایالت هرات در دستور قرار گرفته است. بر اساس اخبار منتشره، عرصه بر ضدانقلابیان تپه‌کار روز به روز تنگتر می‌شود و نفس‌فند - انقلاب به شمارش افتاده است. رفیق بزرگ‌کارمل در آغاز ششمین سال پیروزی انقلاب شور اعلام کرد حکومت انقلابی، این سال را به سال سرکوب‌نهایی ضدانقلاب بدل خواهد کرد. در آستانه ششمین سالگرد انقلاب فدا میرباغیستی، ضدفئودالی و دمکراتیک افغانستان، نیروهای انقلاب در جهت اجرای این رهنمود توانستند منطقه سواچیستیو بسیار با اهمیت دهر پنجشیر را بطور کامل آزاد ساخته و باندهای جنایتکار ضدانقلابی را که در آنجا کمین کرده بودند، تار و مار کند. در پی این موفقیت بزرگ که با همکاری و استقبال پر شور مردم محروم و زحمتکش این منطقه انجام گرفت، باندهای مزدور به پاکستان فراری شدند و دهقانان و زحمتکشان محروم منطقه دسته دسته بسزمین آباء و اجدادی خود بازمی‌گردند و کار سازنده و انقلابی را از سر می‌گیرند. اعترافات سران دستگیر شده باندهای جنایتکار در بلوچیزبون کابل یار دیگر نشان داد که چگونه سازمان "سیا" دیگر سروس‌های تپه‌کار غرب با همدستی حکومت نظامی ضیاء الحق باندهای خرابکار را مسلح می‌کنند، آموزش می‌دهند و جهت تخریب مدارس و بیمارستانها، صنایع، مزارع، پلها و خانه‌ها و کشتار مردم افغان روانه افغانستان انقلابی می‌کنند. از طرف دیگر سران این باندهای مزدور را اعتراف کردند که حکام خائن و مرتجع جمهوری اسلامی ایران همدا و همراه با مرتجع ترین محافل امپریالیستی و دست نشانگان آنها در منطقه، این باندهای خرابکار و راهزن را در شهرهای مختلف ایران، از جمله در تهران، مشهد، قم، افغان و ... آموزش می‌دهند، مسلح می‌کنند و برای انجام ما موریت‌های خرابکارانه به داخل خاک افغانستان انقلابی گسیل می‌دارند. بوقیای امپریالیستی که تا دیروز دم ازین‌وان موفقیت ضدانقلاب می‌زدند و وانمود می‌کردند که مناطق مهمی هنوز در دست باندهای خرابکار است، امروز فریاد برمی‌آورند که حقوق بشر بافمال شده است. تلاش دشمنان انقلاب و مردم افغانستان امروز بر این قرار گرفته است که با تویل به شیوه‌های عوام‌فریبانه، احساسات بین‌المللی را چنان تحت تاثیر قرار دهند که فرصت لازم را جهت تجدید سازماندهی و رساندن آلات و ادوات جنگی به ضدانقلابیون به دست آورند. این تلاشهای ارتجاعی و امپریالیستی همچون انواع افتراات و اقدامات ضدانقلابی مشابه که طی شش سال گذشته علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان و علیه اتحاد شوروی صورت گرفته، محکوم به شکست است. نیروهای انقلابی جهان و در ایران همه اتحاد جماهیر شوروی در کنار مردم و انقلاب افغانستان قرار دارند. حمایت قاطع این نیروها از انقلاب افغانستان مارش عظیمی از همبستگی را به نمایش گذاشته است. بیگمان انقلاب افغانستان تحت رهبری مدیران حزب دمکراتیک خلق به موفقیت‌های نوینی دست خواهد یافت.

معدنچیان انگلیس علیه دولت تاجر

اعتصاب دراز مدت معدنچیان انگلیس که از ماه مارس آغاز شده بود همچنان ادامه دارد. اعتصاب به دنبال تصمیم دولت تاجر مبنی بر بستن تعدادی از معدن انگلیس آغاز شده دربارت علت این تصمیم ضدکاری باب مورسون مسئول هماهنگی ایمن اعصاب با درماجه با نشریه اکثریت ارگان هوادارانها زمان ما گفت: "دولت با بستن یک سری از معدن و در نتیجه اخراج تعداد زیادی معدنچی قصد تضعیف اتحادیه معدنچیان که یکی از قدرتمندترین اتحادیه‌های کارگری است" را دارد.

"اتحادیه ملی معدنچیان انگلستان" برای دفاع از تاین شغل معدنچیان و جلوگیری از افزایش بیکاری که امروز از مرز چهار میلیون نفر در انگلستان گذشته است، این اعتصاب عظیم و مقاومت حماسی کارگران را سازمان داده است. نزدیک به ۱۵۰۰۰۰ کارگر معدن (۸۰ درصد اعصاب اتحادیه معدنچیان) در این اعتصاب شرکت دارند. بسیاری از سایر اتحادیه‌های کارگری، از جمله اتحادیه کارگران حمل و نقل زمینی، هوایی و دریایی انگلستان تا کنون به حمایت از اعتصاب معدنچیان برخاسته‌اند. زنان خانواده‌های کارگران معدن فعالانه در این مبارزه عظیم کارگری شرکت کرده‌اند. آنان با شرکت در نظرات و فعالیت در سایر امور اعتصابی، از جمله تهیه غذای معدنچیان اعتصابی، جلوه باشکوهی از همبستگی مبارزاتی و عشق به زندگی بهتر را به نمایش گذاشته‌اند. دولت برای مقابله با

تیسر

نماینده "غوب" در تهران

هانس دبیرش کنشروزیخارجه آلمان فدرال گویا این بار مقصد مناسبی برای سفر خود برگزیده، چرا که در تهران آغوش با مقامات و خیابان با زکشت به روزگار خوش گذشته، در انتظار این فرستاده غیر رسمی هفت کشور بزرگ سرمایه‌داری بسود.

در دنبال کنفرانس ویلیا مزبورگ در آمریکا، وزیر خارجه زاین سفری به ایران داشت و امسال در پی تشکیل کنفرانس لندن این نقش را آقای کنشروزیخارجه آلمان فدرال بعهده گرفته است. روزنامه های غربی حتی برخی جراید ایران تلویحا اعلام کرده اند که کنشروزیخارجه آلمان غربی به جمعیه اسلامی رایا بدستخیه این نشست و تبادل نظرها دانست، زیرا سال گذشته نیز که سران هفت کشور صنعتی اروپا و ویلیا مزبورگ آمریکا گرد آمدند تا همدسفر وزیر خارجه زاین به ایران بودیم صبح آزادگان ۳۱ تیرماه.

واقعیت این است که وزیر خارجه آلمان فدرال مانند وزیر خارجه زاین نقش واسطه و دلال کشورهای امپریالیستی با جمعیه اسلامی ایران را در ایمن سفرا یفا کرده است. امروز که وحشت حکام مرتجع جمهوری اسلامی از فوران خشم انقلابی مردم - شولتزو وزیر خارجه آمریکا امکان دیدار از تهران را نه می‌دهد آقای کنشروزیخارجه او و دیگر یاران خود در کشورهای امپریالیستی را نیز برعهده می‌گیرند و این واقعیت با شکل گرفتن در مطبوعات آلمان و دیگر رسانه‌های گروهی غرب انعکاس می‌یابد. مطبوعات بورژوازی آلمانی اذعان می‌کنند که وزیر خارجه آلمان قبل از سفر با "ظرافت و دقت" دیدار خود را با بازدیدکنندگان قبلی از تهران در وین، توکیو و استانبول و با کشورهای عضو سازمان مشترک و پیمان ناتو و صدا البته با آمریکا هماهنگ کرده است.

اهمیت سمبلیک و سیاسی سفر هانس دبیرش کنشروزیخارجه در همین بود و مطبوعات غربی همه جا از او بعنوان "نماینده غرب" و نه صرفا نماینده آلمان فدرال یاد کرده اند و این مطلب نیز که آقای کنشروزیخارجه تهران به مصاحبه ای "اعمال علاقه صریح مقامات ایرانی برای بسط تدریجی مناسبات با غرب را یادآور می‌کنند اهداف مذاکرات پشت پرده را آشکار می‌سازد و از همین روست که این سفر در راستای سیاست نزدیکی پرشتاب به غرب جمهوری اسلامی با اهمیت تلقی می‌شود. مردم ایران جمهوری اسلامی

ورسانه های گروهی انحصاری رژیم کوشش کردند برای فریب مردم و گممان و اطمینان از هویت مستقل و "شخصیت مستقل آلمان سخن به میان آورند و از "چرخش مثبت" در سیاست خارجه آلمان یاد کنند. (جمهوری اسلامی ۳۱ تیرماه)

کنفرانس کشوری کمونیست در شیلی

حزب کمونیست شیلی که در شرایط زیرزمینی علیه رژیم آمریکایی پینوشه می‌رزد، چندی قبل کنفرانس کشوری خود را در داخل کشور، برکنسازر نمود. برگزاری پیروزمندانه این کنفرانس و تاج حاصله، دستاورد بزرگی برای طبقه کارگر و خلق شیلی محسوب می‌شود.

کنفرانس ضمن انتخاب مجدد ارگانهای رهبری، رفیق لوتیس کوروالان را با رد دیگر بعنوان دبیر کل حزب کمونیست برگزید. نتایج مباحثات کنفرانس طی بیانیه ای منتشر شده است. در بیانیه ضمن تاکید بر ضرورت گزینش هیئت های گوناگون مبارزه برای تدارک قیام خلق و سرنگونی رژیم، یادآوری شده است که پیروزی برفاشسم نه سراجنام یک نبرد است و نه کار یک گروه مخالف، بلکه شمره پیکارهای کوچک و بزرگ همه مردم شیلی خواهد بود. کمونیستهای شیلی نیز مانند همه کمونیستهای جهان پیش از ورودت همه نیروهای دمکرات و میهن پرست می‌باشند. از ایسن رو کنفرانس که در میدان مبارزه برگزار شد، خواستار گسترش این مبارزه و اتحاد همه نیروها در راه سرنگونی خودکامگی ویی ریزی نظامی - دمکراتیک گردید. بی گمان نتایج این کنفرانس تا نیرمهمی بر مبارزه طبقه کارگر و مردم شیلی بر جای خواهد گذاشت.

حرکت عظیم کارگری، علاوه بر انواع طولنها و تهدیدات، روش سرکوب خشن و مستقیم رادریش گرفته است. دستور دولت پلیس فاشست ضد شورش " مسلح به انواع سلاحهای سرد و گرم به صف کارگران اعتصابی و تظاهرات خیابانی حمله می‌برد و هر روز بر دامنه خونت سباعا نومیوانی خود می‌افزاید.

مطبوعات و رسانه‌های گروهی امپریالیسم انگلستان سیاست سکوت و جعل اخبار این مبارزه عظیم را دنبال می‌کنند. در میان نشریات انگلیسی، نشریه‌ای که قاطعانه از اعتصاب معدنچیان حمایت می‌کند، نشریه "موریتکانتار" ارگان حزب کمونیست انگلستان است. طبق اخبار منتشر شده طی حملات پلیس تاکنون بیش از چهار نفر، از جمله آرتور اسکارگیل دبیر اتحادیه ملی معدنچیان انگلستان و "مالکم پیت" رهبر معدنچیان کنت و عضو هیات اجرایی حزب کمونیست انگلستان دستگیر شده، مدها سفر زخمی گردیده و دو تن از کارگران تهران و مبارز به‌شهادت رسیده‌اند.

علیرغم تمامی این تضییقات و اعمال فشارها اتحاد و همبستگی کارگران معدن زغال سنگ مستحکمتر شده است. حمایت عظیم کارگری مردمی که از اعتصاب کارگران معدن به عمل آمده، دولت تاجر را به وحشت و هراس انداخته است. از جمله کارگران تمام بنادر انگلیس چند روز قبل سا شرکت در یک اعتصاب یکپارچه همبستگی خود را با معدنچیان اعتصابی اعلام داشتند. این حمایت تنها در محدوده انگلستان نیست. اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری مترقی و انقلابی دیگر کشورها، تمام حزب کمونیست و بخش مهمی از نیروهای انقلابی در سراسر جهان به حمایت از این حرکت حق طلبانه کارگران معدن انگلیس برخاسته‌اند. اعتراض شدید شورای مرکزی سندیکاهای اتحاد شوروی به برخورد وحشیانه پلیس انگلیس، و تلگرام این واحد شیرومند کارگری جهان به سازمان بین‌المللی کار، در پایمال شدن خشن حقوق سندیکایی در انگلستان، نشانه گرانقدری از همبستگی کارگران جهان بوده و به کارگران اعتصابی نیروی ویژه‌ای می‌دهد.

سازمان ما ضمن محکوم کردن سیاست ضدکاری و بنفایت ارتجاعی دولت تاجر، حمایت قاطع خود را از اعتصاب باشکوه کارگران معدن انگلستان و اعلام موفقیت‌های بازم بزرگتری را برای معدنچیان اعتصابی و تمامی طبقه کارگر انگلستان آرزو مند است.

اتحاد شوروی:

کوشش برای جلوگیری از نظامی کردن فضا

اتحاد شوروی طی اظهاریه‌ای پیشنهاد نمود، که برای جلوگیری از نظامی کردن فضای کیهانی، مذاکرات دو جانبه اتحاد شوروی و آمریکا در دسامبر سال جاری آغاز شود. این پیشنهاد از جانب دیگر کشورهای سوسیالیستی و مترقی و نیروهای ملحدوست جهان و سیمما مورد استقبال قرار گرفت. پیشنهاد اتحاد شوروی در شرایطی ارائه می‌شود که امپریالیسم آمریکا همچنان ماجراجویی‌های بی‌سراجنام خود را ادامه می‌دهد. ریگان با استقرار موشکهای هسته‌ای میان برد در تعدادی از کشورهای اروپای غربی و با تلاش برای نظامی کردن فضا کیهانی می‌خواهد اتحاد شوروی را مجبور کند که عقب‌نشینی‌های یکجانبه‌نسن در دهد. توان اقتصادی و قدرت دفاعی شکستناپذیر اتحاد شوروی و سهم قدرتمند موفرم و بیگانگی خلق و حزب کمونیست، در مقابل امپریالیسم جهانی، سد عبور ناپذیری را بوجود آورده است که تحقق نقشه‌های ریگان و دارودسته‌اش را غیرممکن می‌سازد. اتحاد رزمنده جامعه دولت‌هسسا ی سوسیالیستی تکیه‌گاه امیدبخش امرلج و امنیت بین‌المللی است. پیروزی اتحاد شوروی نیروی ضرریتی امپریالیسم یعنی فاشسم هلتری نشان داد که امپریالیسم نمی‌تواند مناقشه تاریخی میان نظام سوسیالیسم و سرمایه‌داری را از طریق نظامی حل کند. امروز سوسیالیسم پس‌نیرومندتر از گذشته است و تناسب قوا در سطح جهانی بسود سوسیالیسم دگرگونی اساسی یافته است. آرزوی امپریالیسم برای احصاء مواقع گذشته خود در دوران ما آرزوی بوی و بی سراجنام است. ایجاد سیستم دفاعی ضد موشکی در فضای کیهان راه انداختن موشکهای فضا هوا و اختصاصی بوده سنگین برای نظامی کردن فضا تنها به تشدید مسابقه تسلیحاتی و سرور خطر جنگ کمک خواهد کرد. فضای کیهانی به تمام بشریت تعلق دارد. نباید گذاشت که فضای کیهانی به میدان کارزار جنگی مبدل شود. فضای کیهانی باید عرصه همکاری سالمت آمیز بین کشورها باشد.

پیشنهاد سازنده اتحاد شوروی مبنی بر جلوگیری از گسترش دامنه مسابقه تسلیحاتی در فضا می‌تواند به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کمک شایانی نماید. این پیشنهاد مورد حمایت تمام نیروهای ملحدوست و ترقیخواه جهان است.

خبرنگار باشید!

رفقا و همزمان گرامی!

کار "ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)"، این پرچم برافراشته پیکار کارگران و رنجبران در جنبش انقلابی کشورمان، و وظایف و رسالت بی سنگینی بر عهده دارد. رسالت کار آگاه سازی توده ها، بسیج انقلابی نیروها و سازمانگری مبارزه است.

کار وظیفه خود میداند که سیمای واقعی ارتجاع حاکم در کشور را به مردم بشناسد. کار نتایج اسفبار اجرای این سیاست های ارتجاعی را در زندگی زحمتکشان و تمام مردم ایران نشان می دهد. دشواریهای زندگی مردم، خواستها و مبارزات حق طلبانه آنان را با ارائه نمونه های زنده و مشخص تصویر می کند. برای پیروزی این مبارزات، کار تلاش نیروهای انقلابی را در ایجاد اعتماد متقابل و گسترش همکاری و اتحاد عمل فیما بین تقویت می کند و آن را از اهم وظایف خود می شناسد. نشریه کار در انجام این وظایف به اخبار، اطلاعات و آگاهی مشخص از رویدادهای جاری کشور نیاز دارد. کارخوانندگان خود انتظار دارد که نشریه رادارانجام این وظایف باری برآوردند. هرکس که به تحقق اهداف نشریه مومن و علاقه مند است و اهداف مبارزه خود را در اهداف نشریه می یابد باید مددکار نشریه باشد. بدینوسیله است که کمک اشکال بسیار متنوع دارد و از طرق بسیار متنوع هم انجام میگردد. امروز

از میان گزارشها

اخبار زیر از میان گزارشهای رفقا انتخاب و تنظیم شده است

"در تمام دنیا یک همچو انتخابات آزادی نبوده است"

انتخابات در شرایطی برگزار شد که تنها برای هیچ یک از نیروهای مترقی امکان شرکت در آن وجود نداشت، بلکه بسیاری از نیروهای حکومتی هم با دستبند و دهان بند در انتخابات شرکت داده شدند. البته آزادی برای سران حکومت و برای شورای نگهبان و برای حزب جمهوری اسلامی کاملاً وجود داشت! مطالعه نمونه های زیر بهتر و بیشتر توطئه های حکومت برای تحمیل مجلس تجار را افشا می کند.

در مرحله اول انتخابات زاهدان، سران رژیم یک سیره ارتجاعی از اهالی بیرجند را در برابر کاندیدای بومی قرار دادند. مطابق نقشه سران رژیم، شورای نگهبان صلاحیت کاندیدای بومی را رد کرد تا راه برای این شخص به مجلس حکومتی باز باشد. اما در پی این اقدام مردم شهر بعنوان اعتراض به خانه امام جمع و نماینده امام در زاهدان که از او حمایت می کرد حمله می کنند. رژیم جهت سرکوب مردم معترض از مشهد نیرو می فرستد و سپاه و تیرباران و مسلسل به سوی مردم تیراندازی می کند. در نتیجه این جنایت، تعدادی کشته و شمار زیادی دستگیر می شوند.

در انتخابات شیراز کاندیدای حزب جمهوری اسلامی با وجود طلب های فراوان شکست خورد و از حدود ۲۷۰ هزار رأی فقط ۶۰ هزار رأی آورد. مردم ۲۵ هزار کارت سفید به صندوق ریختند. اما شورای نگهبان ارتجاع انتخابات شیراز را باطل کرد.

در انتخابات قم از مجموع ۲۱۴ هزار رأی در مرحله اول محمدرضا اسماعیلی با ۱۵۱ هزار رأی شری با ۸۸ هزار رأی به دور دوم رفتند. آذری تمی با ۶۴ هزار رأی حذف شد. اما با ساخت و بیاخت پشت پرده و انصراف شرمی، آذری تمی به دور دوم راه یافت. این آقا که در مرحله اول فقط ۶۴ هزار رأی آورده بود، با ۷۵ هزار رأی به مجلس قدم رنجه فرمود. و قاحت تقلب کنندگان را از آنجا می شود فهمید که میزان شرکت مردم در مرحله دوم انتخابات نسبت به مرحله اول حداقل ۵۰ درصد کاهش یافت.

در انتخابات دهمدشت که کیلویی به مقابل کاندیدای بومی، ارتجاع، کاندیدای اهالی نجف آباد بنام نجفی را معرفی می کند. علیرغم مخالفت مردم با کاندیدای فیریومی، ارتجاع آقای نجفی را از صندوق انتخابات بیرون می آورد. مردم با اطلاعات از نتیجه انتخابات به خیابان می ریزند و شهر شلوغ می شود. سپاه به روی مردم تیراندازی می کند. در این جریان یک نفر کشته و عده ای زخمی می شوند. در مشکین شهر حاج احمد همتی از طرف حزب جمهوری اسلامی کاندید می شود. فرماندار شهر که از منصوبین همتی است، از او حمایت

مطلع کردن نشریه از خبرها و وقایع یا اسناد و مدارک و یا هر موضوعی که خواننده تشخیص می دهد اطلاع ما یا انتشار آن به سود جنبش است. بسیار پراهمیت است. این اطلاعات دستمایه نشریه برای افشاکاری و انتشار اخبار مقاومت مردم ایران خواهد بود.

سران خائن رژیم اسلامی تلاش می کنند که حقایق امور پنهان بماند و مردم مطلع نشوند که آنها چه بر سر کشور و مردم ما می آورند. نه تنها مطلع نشوند، بلکه واژگونه هم فکر میکنند در مقابل، وظیفه ما افشای اینان است.

مثلاً رژیم اسلامی مرتباً تبلیغ می کند که پیروزی در جنگ نزدیک است. یا اینکه جوانان با کمال میل و رغبت و کاملاً داوطلبانه به جبهه می روند و در جبهه کسی مخالف حمله نیست. یا اینکه در فلان حمله دشمن را خوار و زبون کرده ایم و غیره. اما ما می دانیم که اینطور نیست همه این تبلیغات ظلاف واقع است. و این نظر خود را هم به اطلاع مردم می رسانیم. وقتی یک نامه از یک سرباز جبهه بمره و یک بسیجی جبهه سومار درباره اوضاع وخیم جبهه بدست ما میرسد و ما این نامه را که سند زنده و انکارناپذیری است، انتشار می دهیم، ادامه این فریبکاریها برای ارتجاع دشوار می شود.

ارتجاع ممکن است نظرات ما را تحریف کند، اما با انبوه مدارک زنده و غیرقابل انکار کار خواهد کرد. باید توطئه سکوت رژیم را درهم شکست. باید خبر مبارزه و ایستادگی مردم را در جامعه وسیعاً پخش کرد. باید گروههای مردم را با مبارزات یکدیگر، دستاوردها و نتایج و

می کند. مقدسی کاندیدای دیگر که منفرد است مورد حمایت رئیس دادگاه انقلاب شهر بود. روز ۲۶ فروردین زمانی که هنوز آراء جمع آوری نشده بود فرماندار، همتی را برنده انتخابات و نماینده اعلام می کند. مردم به خیابان میروند و با شعار مرگ بر همتی تظاهرات می کنند. مردم به زبان آذری شعار می دادند: همتی، همتی، تو ملت را فریب دادی، همتی از تبریز به مشکین شهر می آید و قول داده می شود که انتخابات لغو و فرماندار برکنار گردد و مردم را پراکنده میکنند. اما همتی نماینده شد و فرماندار هم در مقام خود باقی ماند.

۱۹ اردیبهشت ماه در پی شکست نامزدهای حزب جمهوری اسلامی، شورای نگهبان، انتخابات اصفهان را باطل اعلام کرد. از این عمل طرفداران طاهری امام جمعه اصفهان به خشم آمدند و افشاکاری علیه شورای ارتجاعی را به روزنامه ها و مجامع علنی گشادند. روز جمعه ۲۱ اردیبهشت طاهری تلاش کرد مردم معترض را خاموش کند، اما نتوانست. گروه کبیری از مردم در گلستان نهاد و در منزل امام جمعه تحصن کردند. با زهم نمایندگان طاهری در شکستن تحصن موفق نشدند. روز بعد، مردم معترض به خیابان ریختند و تظاهرات بزرگی علیه شورای نگهبان برپا کردند. مردم اصفهان شعار می دادند: "شورای نگهبان، رای ما چه شد، خمینی، وعده و وعید چه شد؟" اما علیرغم مخالفت آشکار و عمومی مردم اصفهان، شورای نگهبان با حمایت قاطع آیت الله خمینی حرف خود را به کرسی نشاند.

اعتصاب زندانیان سیاسی اهواز

اخیراً زندانیان سیاسی اهواز جهت آزادی یاران دربند خود که دوره محکومیت را تمام کرده اند، اعتصاب نمودند. آنها اعلام کردند، فقط در صورتی خانواده های خود را ملاقات می کنند که یاران دربند آنها آزاد شوند. اعتصاب زندان اهواز بار دیگر دروغ بودن "عفو" رژیم را اثبات می کند. سران رژیم حتی رای ظالمانه حکام منصوب خود را هم زیر سؤال می گذارند. به دستور مقامات قضایی رژیم، از آزادی زندانیان مبارز پس از پایان دوره محکومیت جلوگیری می شود.

تعطیل خودسرانه مدارس ارامنه

به دستور پرورش وزیر آموزش و پرورش رژیم، تعداد دیگری از مدارس ارامنه تهران بسته شد. جامعه ارامنه ایران خواهان تدریس کتاب دینی به زبان ارمنی است. اما رژیم اسلامی از دادن این اجازه خودداری و اصرار دارد که کتاب دینی ارامنه به زبان فارسی تدریس شود. تاکنون ۲۰ مدرسه یعنی تمام مدارس ارامنه تهران تعطیل شده اند. این اقدامات رژیم حتی برخلاف قانون اساسی خود او است.

سرکوب مردم چالوس توسط سپاه اواسط اردیبهشت عده ای از جوانان چالوس که در حال بازی بودند، با مزاحمت گشت بسیج روبرو می شوند. یک بسیجی به بهانه بازی قمار کلت می کشد و یکی از جوانان را به رفتن به مقر سپاه فرا می خواند و تهدید می کند که اگر از

تجربیات آنها آشنا نمود. در این زمینها خوانندگان نشریه همواره مطالب مفیدی برای نشریه در محیط خود خواهند یافت. ما خوانندگان کار را دعوت می کنیم در همه این زمینه ها نشریه کار را یاری رسانند و بدین طریق بر توان و تاثیر آن در آگاه سازی مردم و سازمانگری مبارزه بیافزایند. کار، آن گروه از خوانندگان را که علاقه مند به مکاتیب مسدود هستند و در این راه تلاش می کنند، به عنسی کسانی را که به خبرنگاری کار علاقه مند هستند، در انجام وظایف مربوطه یاری می کند. به نظر ما، هر خواننده کار با تقوه یک خبرنگار کار است. خبرنگاری برای نشریه کار هیچ شرط ویژه ای نمی خواهد. فقط کافی است اخبار، اطلاعات و یا اسناد را با نامه و بطور غیر مستقیم و اگر امکان نبود بطور مستقیم به آدرس نشریه کار بفرستید. هرچه خبرنگاران نشریه افزون تر باشند، نشریه در انجام وظایف خود موفقتر خواهد بود.

برای اعضای سازمان، در هر جا که هستند، خبرنگاری کار یک وظیفه سازمانی است و از آنها می خواهیم با جدیت و پشتکار و با رعایت کامل مسائل امنیتی در انجام این وظیفه بکوشند. انجام این وظیفه تافی اصل گزارندهای اعضا به مسئولین بالاتر خود نیست و نباید باشد. هدف، دریافت سربمتر و مستقیمتر و زنده تر شرح رویدادها و اخبار است. بنابراین، رفقا در عین انجام وظیفه گزارندهای به مسئولین، باید اخبار رویدادها و گزارندهای را که از آن مطلع یا شاهد آن بوده اند برای نشریه کار هم بفرستند.

رفتن به سپاه خودداری کند، شلیک خواهد کرد. جوان می گوید حق نداری شلیک کنی. اما بسیجی، نا جوان مردانه شلیک می کند و جوان در خون می غلتد. در پی این جنایت مردم چالوس یکسری خون آلود جوان را روی دست بلند می کنند و با شعار "بسیجی جنایت می کند، دولت حمایت میکند" به طرف بیمارستان می روند. به تدریج جمعیت زیاد شده و به چند هزار نفر می رسد. سپاه ارتجاع وارد صحنه شده علیه مردم به اسلحه تهاجم می کند. اما مردم نمی گذارند سپاه وارد بیمارستان شود و جسد را ببرد. فردای آن روز مردم باردیگر در بیمارستان جمع می شوند و جسد را در حال دادن شعار به گورستان محل می کنند. در مراسم شهنهت سپاه چالوس راهبهای ورودی شهر را می بندد تا مردم شهرهای مجاور در مراسم شرکت نکنند. علیرغم سرکوب مردم و تهدید مقامات حکومتی مردم خواهان مجازات قاتل و سرکوبگران هستند.

آهنخوار مشهور

انباردار گل آهن جمهوری اسلامی شد

سران رژیم اسلامی، بوراستاد رئیس اتحادیه آهن فروشان و چهره مشهور را به انبارداری کل آهن ایران منصوب کرده اند. منطقه وسیعی را در کرج در اختیار وی گذاشته و سهمیه تمام شهرها را به او سپرده اند. وی در ازای هر کیلو آهن دو ریال حق انبارداری می گیرد. بدین ترتیب، بوراستاد آهنخوار بدون احتساب سایر دزدی ها، از این طریق سالانه به میلیاردها ریال پول مفت به دست می آورد. اخیراً که رژیم ۵۰۰ دستگاه ب.ا.م. و مدل بالا مختص اوین خریداری کرده است، یکی از این ماشین ها نیز به آهنخوار مزبور اختصاص داده تا وظیفه انبارداری کل وی به تنهاکاریش در اوین خلیل نرساند.

"این کار هر روز ما است"

واخر فروردین، رفیقی که به همسراه خانواده اش به پشت رها رفته بود، در آنجا متوجه می شود که گورکن ها وعده ای با امور ۱۰ جلد پیچیده شده در پلاستیک خوین را دفن می کنند. ما موران می گویند آنها تصادف کرده اند و خانواده آنها اطلاع دارند. اما رفیق بطور اتفاقی اسم روی یکی از پلاستیک ها را می خواند که می شناخته است: "اسماعیل فخاریان". چند درهم شکسته و جای گلوله سر نشان می دهد که آن جوان از مبارزان اسیر رژیم بوده است. وقتی که از گورکن ها راجع به جسد سؤال می شود، آنها می گویند که زیاد سؤال نکنید، این کار هر روز ما است.

شیرخوارگان هم باید روزی بگیرند

سردمداران ارتجاع از هر چیزی بهانه ای برای تشدید فشار بر مردم محروم می سازند. فرارسیدن ماه رمضان نیز برای شلاق بدستان جمهوری اسلامی فرصتی شد تا هر چه وقیحانه تر آزار و اذیت را دامن بزنند.

گزارشگران ما موارد بسیاری از اعمسال و خشکان جمهوری اسلامی در این ماه را گزارش کرده اند. هزاران نفر در ملا عام در شهرهای مختلف به جرم روزه خواری به شلاق بسته شده اند و گروهی از کارکنان ادارات و کارخانها بدین اتهام از کار اخراج شدند. در مقابل اینس بقیه در صفحه ۳

در حمایت از فدائیان و توده‌ایها علیه جنگ و خفقان در ایران

خشم مردم میهن ما و نیروهای مترقی جهان علیه کشتار انقلابیون و ادامه جنگ خانمان برانداز مردم فزونی می گیرد. نیروهای آزادیخواه و شرقی جهان، ضمن همدردی و همبستگی با مردم میهن ما و با زندانیان سیاسی خواستار آنگند که درهای آسارتگاههای رژیم کثود شده و جنگ ایران و عراق پایان یابد.

موج حمایت بین المللی همچنان ادامه دارد. * احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عربی پس از ملاقات اخیر نمایندگان آنها در بیروت در بیست و هشتم خردادماه، اعلامیه‌ای صادر کردند. در این اعلامیه تاکید شده است که برای حتمی ساختن نقشه‌های امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس باید بیدارنگ به جنگ ایران و عراق که به ضرر هر دو کشور است پایان داده شود. همچنین این احزاب همبستگی خود را با حزب توده ایران و دیگر نیروهای دمکراتیک کشور ما اعلام داشتند.

* در جشن روزنامه "مصرا" ، ارگان مرکزی حزب کمونیست جمهوری فدرال آلمان - از تاریخ ۴ تا ۶ خردادماه - سازمان ما و حزب توده ایران غرفه مشترک مطبوعاتی برپا کردند. شرکتکنندگان در جشن با امضاء طومار، سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را محکوم کرده و خواستار قطع فوری شکنجه‌های سیاهانه در سایه‌چالهای جمهوری اسلامی شدند. رفیق هربرت میس، رهبر حزب کمونیست آلمان ، هنگام بازدید از غرفه سازمان و حزب، ضمن اعلام همبستگی برادرانه حزب کمونیست آلمان فدرال با زندانیان توده‌ای و فدایی اظهار داشت: جنبش کارگری و کمونیستی ایران از سابقه مبارزاتی طولانی برخوردار است. این جنبش علیرغم وحشیانه‌ترین سرکوبها، با تکیه بر سوابق درخشان مبارزاتیش بیشک قادر خواهد بود، راه استقلال، آزادی و عدالت و ترقی اجتماعی را در کشور شما هموار سازد.

در شهر بویال هندوستان، بمنظور برقراری "مسلم در منطقه خلیج فارس" و "آزادی زندانیان سیاسی" برگزار شد. در این تظاهرات، ۲۱ حزب و سازمان سیاسی مترقی، دانشجویی، جوانان و زنان با صدور اعلامیه‌ای خواستار شدند: جمهوری اسلامی باید به کشتار انقلابیون پایان دهد، زندانیان سیاسی ایران را سریع آزاد کند، درهای تمام زندانهای جمهوری اسلامی باید برای حقوقدانان بین المللی و بازدیدکنندگان حقوق بشر باز شود تا حقایق پنهان شده در پشت درهای بسته‌سیاه - چالهای رژیم آشکار گردد. جنگ ایران و عراق که جان هزاران نفر را بلعیده است، بدون درنگ خاتمه یابد.

* دهها نفر از نیروهای مترقی و انقلابی در شهر رم، در اعتراض به سیاست‌های سرکوب، شکنجه و اعدام جمهوری اسلامی و تداوم جنگ خانمان برانداز به یک اعتصاب غذا ۷ روزه دست زدند. این اعتصاب که به ابتکار کمیته هماهنگی دانشجویان دمکرات ایرانی و همکاری جنبه میهنی عراق و نیروهای مترقی ایتالیا برگزار گردید، در رسانه‌های گروهی ایتالیا و در میان محافل سیاسی این کشور انعکاس وسیعی داشت. آنها اعلام کردند که: شکنجه و اعدام و محاکمات غیرقانونی و فرمایشی میهن پرستان ایرانی، به ویژه فدائیان، توده‌ایها و مجاهدین قطع گردد. ۲- به جنگ خانمان سوز ایران و عراق و سرکوب وحشیانه مردم ستمدیده کردستان پایان داده شود.

* هواداران سازمان و حزب توده ایران با برپایی غرفه مشترکی در جشن شصتمین سالگرد تأسیس روزنامه دلی ورنه، ارگان حزب کمونیست آمریکا که در تاریخ ۱۶ اردیبهشت‌ماه برگزار شد شرکت کردند. شرکت کنندگان در این جشن با امضاء اعتراضیه‌ها، همبستگی خود را با زندانیان توده‌ای، فدایی و دیگر انقلابیون در بند نشان دادند و کشتار، شکنجه و اعدام میهن پرستان را در ایران محکوم نمودند.

* در جشن منطقه‌ای حزب کمونیست فرانسه در اسون که در روزهای ۱۲ و ۱۳ خردادماه برگزار گردید، غرفه مشترک سازمان و حزب توده ایران مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت. شرکت کنندگان با امضاء کاترهای اعتراضی، خشم و نفرت خود را نسبت به رفتار ضدبشری جمهوری اسلامی در مورد میهن پرستان نشان دادند.

* هیات اجراییه "اتحادیه کارگران پیشرو و ذوب آهن پاکستان" در اجلاس عمومی خود که چندماه پیش برگزار شده بود، رویدادها و تحولات ایران را مورد بررسی قرار دادند. در پایان اجلاس، قطعنامه‌ای به تصویب رسید که در آن ضمن تجلیل از انقلاب ایران و نیروهای پیش برنده آن، گفته شده است که اکنون "به منظور پیشبرد روند مسخ و فروپاشی انقلاب، مبارزین پیگیر راه استقلال و حاکمیت ملی، بویژه انقلابیون عضو حزب توده ایران و دیگر دوستان راستین خلقهای ایران، با اتهاماتی همچون "جاسوسی به زندان افکنده شده‌اند. در همین رابطه نمایشهای تلویزیونی مفتضانه ای با همکاری ساواک و سیا و موسسات تهیه شده است... ما معتقدیم که اینک از سوی رژیم جمهوری اسلامی نه فقط مبارزین عضو حزب توده ایران و دیگر نیروهای مترقی، بلکه خود انقلاب نیز مورد اتهام قرار گرفته و محاکمه می گردد".

در این کشور هم چنین از سوی "فدراسیون کارگری پاکستان" دو بیانیه در رابطه با اوضاع ایران صادر شده است. در بیانیه مطبوعاتی فدراسیون گفته شده است که توسط نیروهای ارتجاعی حاکمیت است جمهوری اسلامی ایران "دستاوردهای باشکوه طبقه کارگری توده‌های ایرانی... به دشمنان تسلیم گردیده است". جنگ ایران و عراق "جنگی فرمایشی است که نه تنها منابع مادی و انسانی ایران را... از بین می برد، بلکه همچنین بهانه‌ای برای عناصر ارتجاعی حاکم بوجدومی آورد تا آنها بتوانند به تعهدات خود در مقابل خلقهای ایران در راستای برقراری عدالت اجتماعی و استقلال ملی پشت کنند". - بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها

"مبارزه حزب توده ایران و فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راستای حفظ و حراست از منافع خلقهای ایران بطور عام و طبقه کارگران ایران اخص" قرار داده و توده‌ایها و فدائیان "تنها خاطر حراست از منافع امپریالیسم و بورژوازی در معرض شکنجه‌های غیرانسانی قرار گرفته‌اند". فدراسیون کارگری پاکستان در پایان این بیانیه اعلام می دارد: "حمایت بیدریغ خود را از طبقه کارگران اعلام می داریم و خواستار پایان یافتن فوری جنگ نامقدس، آزادی تمامی زندانیان سیاسی، برقراری مجدد روند دمکراتیک در کشور و بیداری هیاتهای مختلف سازمانها بین المللی بمنظور بازید و بررسی وضعیت زندانیان هستیم".

فدراسیون کارگران پاکستان همچنین "تمامی نیروهای انقلابی و ملی و دمکراتیک ایران" را به وحدت و همبستگی دعوت کرد.

پیام تبریک به دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا رفیق سبک الساندرونا را به سمت دبیرکل حزب انتخاب کرد بدین مناسبت پیام تبریک زیر از طرف کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - برای دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا فرستاده شد.

به رفیق الساندرونا تا رفیق ارجمند!

با خشنودی فراوان از گزینش شما به سمت دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا مطلع شدیم. میمناست تبریکات ما را به مناسبت این انتخاب بپذیرید. بهترین آرزوهای ما این است که حزب کمونیست ایتالیا، تحت رهبری شما، به پیروزی‌های باز هم بیشتری در راستای مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری دست یابد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دبیر اول - فرخ نگهبان ۳۰ ژوئن ۱۹۸۴

با گام مکاتبه کنید!

رفقا و دوستان عزیز! نشریه خلق ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) امکان ارتباط همه خوانندگان خود را با نشریه فراهم کرده است. همه مبارزین انقلابی می توانند اخبار و اطلاعات و همچنین پیشنهادها و نظرات خود را به آدرس زیر برای نشریه کار ارسال کنند.

Pf.10 1091 WIEN AUSTRIA

اطریش:

آدمی با سرافراشته باید بزند و سرافراشته باید میرد و به دشمن سر تسلیم نیازد درویش و اهل در ره آزادی خلق همه هستی خویش



گرامی باد یادشدهای مردادماه، فدائیان خلق: فیروزخانی، عباس جمشیدی رودباری، محمد مفاری آشتیانی، فرخ سپهری، جهان‌نخستین یاداری، محمدرسلول عزیزیان، هالی هالی زاده، قربانعلی بیانی، مرتضی (امیر) فاطمی، مهدی فضیلت کلام، محمد هادوی، مجید مقدم نژاد، کاوه کاشفی، یوسف کشی زاده، گلارضا بانواد، حسین الهیاری، فریدون شامعی، ونداد ایمانی، سعید میرنکاری، فرامرز شریفی، فیروز شگری، فیروز صدیقی، احمد زبیر، عبدالله قزل، محمد سلیمان، پرهرو باد راهشان، جاودان یادشان

بزرگداشت پرسکوه خاطره از نیکو برلینگوش

رفیق انریکو برلینگوش دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا، روز ۲۱ خردادماه بر اثر سکته مغزی درگذشت. با درگذشت انریکو برلینگوش طبقه کارگر و جنبش جهانی کارگری و کمونیستی یکی از چهره‌های مبارز و شرفناز خود را از دست داد. رفیق برلینگوش یکی از با سابقه‌ترین مبارزین ضدفاشیست بود. او در سال ۱۹۴۵ به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا و در سال ۱۹۷۲ به سمت دبیرکل حزب انتخاب گردید.

احزاب کارگری و کمونیستی جهان، ضمن ارسال پیامهای تسلیت، از شخصیت رفیق انریکو برلینگوش تقدیر کردند. کمیته مرکزی سازمان ما در پیام تسلیت خود به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا از درگذشت دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا ابراز تاسف و تأثر نمود. مراسم بزرگداشت خاطره رفیق برلینگوش نمایش پرشکوهی از قدرت طبقه کارگر و نفوذ حزب کمونیست ایتالیا بود. در تشییع جنازه رفیق برلینگوش نزدیک به ۲ میلیون نفر از مردم ایتالیا شرکت کردند و هیاتهای متعددی از احزاب برادر و کشورهای مختلف، شرکت کردند.

رفیق برلینگوش قبل از وفات در جشن اتحاد حزب کمونیست ایتالیا در ناپل از غرفه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بازدید به عمل آورد و دفتر اعتراض علیه جنگ و کشتار در ایران را امضا کرد و بدینوسیله با مردم میهن ما و زندانیان سیاسی ایران ابراز همبستگی کرد.

بمناسبت درگذشت رفیق "انریکو برلینگوش" دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا در پیام تسلیت زیر از طرف کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ارسال گردید.

پیام تسلیت به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا

به: کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا رفقای گرامی! با نهایت تأثر و تاسف در گذشت رفیق انریکو برلینگوش که ضایعه بزرگی برای جنبش کمونیستی ایتالیا و تمام دنیا است را به شما و تمام کمونیست‌های ایتالیا تسلیت می گویم. خدمات رفیق برلینگوش به طبقه کارگر و تمام مردم ایتالیا ارزشمند و برجسته است. اطمینان داریم که طبقه کارگر و خلق ایتالیا تحت رهبری حزب کمونیست ایتالیا در راه طبع دمکراسی و سوسیالیسم پیش خواهد رفت.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دبیر اول - فرخ نگهبان ۱۶ ژوئن ۱۹۸۴

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

پیش بسوی جبهه متحد خلق